



دو گل مهم
کریستیانو برای یوونتوس
رونالدو از پله گذشت؛ یک قدم
تا بهترین گلزن تاریخ



درخواست کمیسیون حقوق بشر از دولت و طالبان:

در دور دوم مذاکرات

روی آتش بس توافق کنید

اطلاعات روز: همزمان با آغاز دور دوم مذاکرات صلح میان دولت افغانستان و گروه طالبان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان...

صفحه ۲

اموالله صالح:

معتادان در شش ماه گذشته

به ارزش ۵۰ میلیون افغانی

تأسیسات شهری را زد دیده اند

صفحه ۲

جنگ مؤمن و معتاد بر سر آفتاب

صفحه ۳

جلسه شصت و نهم

جریان سیال ذهن



صفحه ۴

یادداشت روز

دور دوم مذاکرات؛ به تیره روزی مردم افغانستان فکر کنید

بر مبنای برنامه ریزی هیأت‌های مذاکره‌ای دولت افغانستان و طالبان پس از یک وقفه ۲۰ روزه، قرار است امروز دور دوم مذاکرات بین‌الافغانی با میزبانی قطر آغاز شود. دور اول مذاکرات سه ماه زمان برد تا دو طرف تنها روی طرز العمل گفت‌وگوها توافق کردند. آنچه که از همین حالا روشن است دور دوم مذاکرات نفس گیر، پرچالش و زمان‌بر خواهد بود. علت پرچالش بودن دور دوم مذاکرات، پرداختن به مسائل اساسی و تفاوت عمیق دیدگاه بین دو طرف روی موضوعات مورد بحث در این دور است. در طرف افغانستان حفظ نظام سیاسی در اولویت است، اما برای طالبان نظام موجود در افغانستان از بنیاد مردود است. دغدغه اصلی هیأت افغانستان حفظ هویت گروه‌های قومی، جنسی، مذهبی و به رسمیت شناخته شدن چندصدایی است، اما طالبان به دنبال قبضه قدرت است و حتا تعریفی برای این ارزش‌ها ندارند. آتش بس برای جانب افغانستان در صدر فهرست، برای طالبان در آخر فهرست قرار دارد. این نمونه از اختلاف‌های عمیق است...

۲



احمدضیا سراج:

طالبان در پی تأخیر مذاکرات صلح تا زمان خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان اند

صفحه ۲

کرونا در افغانستان؛

در شبانه روز گذشته هفت نفر جان داده اند

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه می‌گوید که در بیست و چهار ساعت گذشته ۱۵۷۵ نمونه‌ی مشکوک به ویروس کرونا را...

صفحه ۲

نتانیا هو:

اجازه نمی‌دهیم ایران سلاح هسته‌ای بسازد

صفحه ۶

تفصیلات

حفظ نظام سیاسی در اولویت است

گفت‌وگو با حفیظ منصور، عضو هیأت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان

افغانستان جهت مشوره و رایزنی به کابل آمدند. در این فرصت گفت‌وگویی داشتیم با حفیظ منصور، عضو هیأت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان در مورد ضرورت حفظ یا تعدیل نظام سیاسی در دور بعدی مذاکرات در دوحه.

با توجه به تجربه دور نخست مذاکرات، | صفحه ۴

تفصیلات



نویای رو به خاموشی در هرات

آخرین استاد دوتارنواز موسیقی محلی هرات
رخ در نقاب خاک کشید

نام گدامحمد با موسیقی محلی هرات گره خورده بود. او شش دهه از عمرش را با نواختن دوتار از جان خود مایه گذاشت. سرانجام روز جمعه رخ در نقاب خاک کشید. بستگان گدامحمد به | صفحه ۵

غنی:

صلحی می‌خواهیم که نیروهای امنیتی و دفاعی ما از آن حفاظت کنند

صفحه ۲



تفصیلات

صلح به مثابه روند، نه محصول؛ درس‌های روند صلح فیلیپین

در ۲۷ مارچ ۲۰۱۴ دولت فیلیپین و «جبهه آزادیبخش اسلامی مورو» توافق نامه‌ای را برای پایان دادن به درگیری مسلحانه که از سال ۱۹۶۹ آغاز و باعث کشته شدن بیش از ۱۲۰ هزار نفر و آوارگی هزاران تن دیگر شده بود، امضا کردند. فیلیپین یک مجمع الجزایر است که از حدود هفت هزار جزیره تشکیل شده است. لوزون و مینداناو از جمله بزرگ‌ترین جزیره‌هاست. فیلیپین تنها کشور آسیایی با اکثریت جمعیت مسیحی است. حدود ۱۰۰ میلیون نفر در سرزمینی با مساحت ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع زندگی می‌کنند. سیستم حکومتی ریاست جمهوری است که قدرت اجرایی آن محدود به یک دوره شش ساله است. «سیر تکاملی روند صلح فیلیپین» عنوان مقاله‌ای است که توسط کریستین هربولزهایمر نوشته و از سوی «مرکز منابع صلح‌سازی ناروی» نشر شده است...

۳

EAP Preparatory | FST Foundation Studies for TOEFL | Mock Test for TOEFL and IELTS | EAP FSI Foundation Studies for IELTS

انگلیسی اکادمیک را با ما بیاموزید! | TOEFL HOUSE | Unlock the World with TOEFL

شروع سمستر جدید

شعبه (کوته سنگی): کوته سنگی، گولابی دواخانه، ایستگاه سابقه.
شعبه (برچی): برچی، ایستگاه مغازه، کوچه اول باغ خان.
شعبه (سلیم کلون): سرکد چهل متره، چهارراهی سلیم کلون.

0747 994 244 | 0745 651 844 | 0747 918 200

toeflhouse@gmail.com | TOEFL House

ادامه‌یادداشت‌روز

تقریبا در تمام مسائل اساسی مذاکرات این تفاوت عمیق دیدگاه وجود دارد.

یک چیز می‌تواند تفاوت عمیق دیدگاه بین دو طرف در این دور را نزدیک‌تر کند: فکرکردن به سیاه‌روزی مردم افغانستان. جنگ سال‌هاست که از مردم افغانستان قربانی می‌گیرد. جنگ همه چیز را ویران کرده است. برای این‌که تأثیر جنگ را بیشتر حس کنید، کافی‌ست سری به اردوگاه‌های بی‌جاشدگان داخلی بزنید. شرایط به معنای واقعی کلمه اسفبار است. مردم به‌دلیل جنگ مجبور به ترک خانه‌های‌شان شده و نه درآمدی دارند و نه به منابع دیگری دسترسی دارند. شرایط عمومی جامعه نیز دست‌کمی از وضعیت اردوگاه‌های بی‌جاشدگان داخلی ندارد. به گزارش سازمان ملل، شمار افراد نیازمند افغانستان در سال جدید میلادی به ۱۶ میلیون می‌رسد. این وضعیت نتیجه‌ی سال‌ها جنگ است. انتظار مردم افغانستان از طرف‌های مذاکره این است که وقتی دور میز در دوحه می‌نشینند، به تیره‌روزی آنان و به وضعیت غم‌انگیز قربانیان جنگ فکر کنند. اگر دو طرف به تصورات فراواقعی خود فکر کنند، از این مذاکرات جنگ بیشتر و کشته‌های زیادتر نصیب مردم افغانستان می‌شود.

موفقیت مذاکرات بدون انعطاف‌پذیری طرف‌ها از همین حالا محکوم به شکست است. هر دو طرف، البته بیشتر طالبان برای خود تصورات فراواقعی تعریف کرده‌اند و انتظار دارند که نتیجه‌ی مذاکرات مبتنی بر همین تصورات حاصل شود. به عقیده اعضای هیأت افغانستان طالبان هنوز جنگ‌طلب هستند. حفیظ منصور در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید شناخت او از طالبان در مذاکرات سه ماه گذشته این است که این گروه هنوز یک لشکر جنگی است و فاقد دیدگاه تدوین‌شده‌ی سیاسی. واقعیتی انکارناپذیر هم همین است. بعد از دو دهه جنگ، طالبان هنوز میان‌هی خوبی با انعطاف‌پذیری که می‌تواند اساسی‌ترین شرط هرگونه مذاکره باشد، ندارد. بنابراین، با شروع دور دوم گفت‌وگوهای صلح، اولویت مذاکرات انعطاف‌پذیری است.

طالبان مسئول اصلی تیره‌روزی و وضعیت اسفبار در افغانستان است. سال‌هاست که این گروه برای رسیدن به قدرت هیچ حد و مرز انسانی را مراعات نکرده است. به گزارش نهادهای بین‌المللی طالبان از رنج و کشتار مردم به مثابه‌ی ابزار سیاسی سود برده‌اند. بر علاوه این‌که طالبان مسبب اصلی جنگ در افغانستان است، در میدان جنگ نیز کارنامه این گروه پر است از عبور از قوانین و حقوق بشردوستانه بین‌المللی جنگ. فراموش نکنیم بخشی از وضعیت موجود نتیجه‌ی سیاست‌های ناکام و فساد در حکومت‌های افغانستان نیز هست.

معادله‌ی جنگ و صلح از نظر مردم افغانستان یک راه حل ساده دارد: دو طرف با توجه به منافع و خواست مردم افغانستان از تصورات فراواقعی خود در میز مذاکرات پایین بیایند و مذاکرات صلح براساس منافع مردم باشد. هر دو طرف باید به این نتیجه رسیده باشند که جنگ افغانستان راه حل نظامی ندارد و مردم افغانستان خسته از جنگ‌اند. بنابراین، پرهیز از تنش، صبر و شکیبایی و گفت‌وگوهای معنادار می‌تواند متضمن موفقیت در مذاکرات جاری باشد.

ام‌الله صالح:

معناتان در شش ماه گذشته به ارزش ۵۰ میلیون افغانی تأسیسات شهری را دزدیده‌اند

اطلاعات روز: امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری کشور می‌گوید که به‌ارزش بیش از ۵۰ میلیون افغانی تأسیسات شهری در شش ماه گذشته توسط معناتان دزدی شده است.

آقای صالح دیروز (دوشنبه، ۱۵ جدی) در یک یادداشت فیس‌بوکی گفته است که قرار ارزیابی‌ها تأسیسات شهری دزدی‌شده توسط معناتان که شامل چراغ‌ها و زباله‌دانی‌ها می‌شود به کباری‌ها به قیمت ناچیز به فروش می‌رسد.

در همین حال، او از کباری‌ها خواسته است که مواد تأسیسات شهری را از معناتان نخرند. معاون نخست ریاست‌جمهوری گفته است: «اگر پس از یک هفته باز هم خریداران کباری به خریداری مواد تأسیسات شهری ادامه دهند به اتهام دزدی داریی عمه دستگیر می‌شوند.»

از سویی هم، او گفته است که نیروهای پولیس چهار نفر را در پیوند به نگهداری ماین‌های مقناطیسی در یک باب خانه‌ی «محفوظ» مربوط به گروه طالبان را در مربوطات ناحیه‌ی هشتم شهر کابل بازداشت کرده‌اند.

اطلاعات روز: احمدضیا سراج، رییس عمومی امنیت ملی می‌گوید که گروه طالبان منتظر خروج نیروهای خارجی از افغانستان است و تلاش می‌کند که مذاکرات صلح را تا زمان خروج کامل این نیروها در ماه «می» سال ۲۰۲۱ میلادی، به تأخیر بیندازد.

آقای سراج که دیروز (دوشنبه، ۱۵ جدی) در نشست استجوابیه‌ی مجلس نمایندگان صحبت می‌کرد، گفت: «این‌ها (طالبان) فقط ۱۱۶ یا ۱۱۵ روز دقیق حساب دارند که اول «می» شود و نیروهای خارجی از افغانستان بیرون شوند و پلان‌شان این است که تا آن وقت مذاکرات را به تأخیر بیاندازند.» او افزود که این گروه برای به‌تأخیرانداختن مذاکرات صلح، «بازی‌هایی را پیش می‌کشد که قابل حل نیست.»

رییس عمومی امنیت ملی تأکید کرد که براساس اطلاعات این نهاد، رهبری گروه طالبان نیت برقراری صلح در افغانستان را ندارد. او همچنان دور دوم مذاکرات صلح میان دولت افغانستان و طالبان را یک دور اساسی و کلیدی خواند و گفت که این گروه پابندی چندان به این مذاکرات نیز ندارد.

از سویی هم، احمدضیا سراج گفت که طالبان اکثر مواد توافق‌نامه‌ی این گروه با امریکا را نیز نقض کرده‌اند. او از حملات در شهرها، عدم قطع روابط طالبان با گروه‌های ترویستی دیگر، ازدیاد خشونت از جمله ترورهای هدفمند و بازگشت زندانیان رهاشده‌ی این گروه به میدان جنگ از جمله‌ی این موارد خواند.

آقای سراج همچنان افزود که گروه طالبان

در پی شکست در «جنگ‌های جبهه‌های» در ولایت‌های هلمند و قندهار، دست به ترورهای هدفمند فعالان مدنی و خبرنگاران زده‌اند. او تأکید کرد که در هشت رویداد اخیر که در آن خبرنگاران و فعالان مدنی هدف قرار گرفته شده‌اند، افرادی در پیوند به پنج حادثه بازداشت شده‌اند.

او گفت که در مورد سه حادثه‌ی دیگر نیز سرنخ‌هایی به‌دست نیروهای امنیتی و کشفی افتاده، اما هنوز کسی در پیوند به آنان‌ها بازداشت نشده است.

از سویی هم، رییس عمومی امنیت ملی تأکید کرد که نیروهای این ریاست از ترور سه خبرنگار در کشور جلوگیری کرده است.

تلاش طالبان برای انتقال رهبری این گروه به داخل افغانستان

احمدضیا در بخشی از صحبت‌هایش همچنان گفت که گروه طالبان در تلاش است تا رهبری و کمیسیون‌هایش را از پاکستان به داخل خاک افغانستان منتقل کند. او گفت که دلیل اصلی این تلاش طالبان، یافتن یک مکان مصون برای رهبری و کمیسیون‌های این گروه می‌باشد. آقای سراج افزود که به همین خاطر گروه طالبان جغرافیای جنگ را در جریان دو ماه اخیر در ولایت‌های جنوب و جنوب‌غرب کشور گسترش داده است.

رییس عمومی امنیت ملی تأکید کرد در هنگامی که رهبران گروه طالبان از «سلام‌آباد» یا «کراچی» به قطر می‌روند، دچار عذاب وجدان می‌شوند و از این رو

خبرهای داخلی

احمدضیا سراج:

طالبان در پی تأخیر مذاکرات صلح تا زمان خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان‌اند

عملیاتی متشکل از نیروهای امنیت ملی، کماندوهای ارتش و پولیس ویژه خیر داد و افزود که از این نیروها برای دفع «حملات هجومی» طالبان در نقاط مختلف کشور استفاده می‌شود.

به گفته‌ی او، هم‌اکنون از این نیروها به‌صورت امتحانی در ولایت فراه در جنگ با طالبان شرکت کرده‌اند و تا تابستان سال آینده ظرفیت آنان افزایش خواهد یافت.

از سویی هم، آقای اندرابی گفت که نیروهای امنیتی به تمامی انعطاف و محدودیت‌هایی را که برای رسیدن به صلح وضع شده، پابند بوده و آن را رعایت کرده است.

او علاوه کرد که این نیروها پس از مذاکرات با گروه طالبان، دور دوم جنگ را نیز تاکنون به‌خوبی مدیریت کرده و مانع حملات طالبان برای گرفتن شهرها شده است.

این گفته‌ها درحالی مطرح می‌شود که قرار است دور دوم مذاکرات صلح میان دولت افغانستان گروه طالبان از امروز (سه‌شنبه، ۱۶ جدی) در قطر آغاز شود.

این مذاکرات در ۲۲ سنبله‌ی سال جاری در دوحه گشایش یافت و در تاریخ ۲۲ قوس برای ۲۰ روز متوقف شد.

در دور نخست این مذاکرات که حدود سه ماه زمان گرفت، هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان روی طرزالعمل مذاکرات به توافق رسیدند. هیأت‌های دو طرف پس از توافق روی طرزالعمل، به‌منظور مشورت‌های بیشتر روی آجندای مذاکرات، به توقف سه هفته‌ای مذاکرات توافق کردند.

غنی:

صلحی می‌خواهیم که نیروهای امنیتی و دفاعی ما از آن حفاظت کنند

قوه بتواند دشمنان افغانستان را سر جای‌شان بنشانند.

از سویی هم، او علاوه کرد که در بودجه، تمویل، تجهیز و آموزش نیروهای امنیتی و دفاعی کاهش نمی‌آید و ضمن توجه حکومت افغانستان، حمایت جامعه‌ی جهانی از انی نیروها نیز پابرجاست.

در همین حال، رییس‌جمهور غنی گفت که او به محمدیاسین ضیا، رییس ستاد ارتش کشور، به‌خاطر احوال‌گیری دوام‌دارش از سربازان در خط نخست جنگ، مدالی دولتی غازی وزیر محمداکبرخان را تفویض کرده است.

همچنان به گفته‌ی او، مدال‌های دولتی برای صد نفر از سربازان دیگر در خط نخست جنگ، تفویض شده است. او با اشاره به اصلاحات در وزارت دفاع ملی نیز تأکید کرد که اصلاحات در این وزارت برای پایداری نیروهای ارتش مهم می‌باشد.

درخواست کمیسیون حقوق بشر از دولت و طالبان:

در دور دوم مذاکرات روی آتش‌بس توافق کنید

از سویی هم، این کمیسیون تأکید کرده است که به مثابه نهاد ملی حقوق بشر، برای ارائه‌ی مشاوره‌ی کارشناسانه در مورد حقوق بشر در صورت نیاز تیم‌های مذاکره‌کننده نیز آماده است. این درحالی است که قرار است دور دوم مذاکرات صلح میان دولت افغانستان گروه طالبان از امروز (سه‌شنبه، ۱۶ جدی) در قطر آغاز شود.

این مذاکرات در ۲۲ سنبله‌ی سال جاری در دوحه گشایش یافت و در تاریخ ۲۲ قوس برای ۲۰ روز متوقف شد.

در دور نخست این مذاکرات که حدود سه ماه زمان گرفت، هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان روی طرزالعمل مذاکرات به توافق رسیدند. هیأت‌های دو طرف پس از توافق روی طرزالعمل، به‌منظور مشورت‌های بیشتر روی آجندای مذاکرات، به توقف سه هفته‌ای مذاکرات توافق کردند.

افزون بر این‌ها، کمیسیون حقوق بشر افغانستان از هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی دولت و گروه طالبان خواسته است که در مذاکرات صلح به قربانیان و نگرانی‌های آنان نیز به‌صورت ویژه توجه کنند. این کمیسیون گفته است: «یک‌بار دیگر از شما (هیأت‌های مذاکره‌کننده) می‌خواهیم که در مورد ایجاد سازوکاری که بتواند حضور قربانیان را در میز مذاکره تضمین کند و به صدای آن‌ها گوش داده شود، توافق کنید.»

در اعلامیه تأکید شده است که هر دو طرف مذاکره‌کننده باید صدای قربانیان جنگ را به عنوان یک حق اساسی آنان بشنوند و به درد و رنج‌های آنان اذعان کنند و به خواسته‌های آنان مبنی بر پایان‌دادن به جنایت و اطمینان از تکرارنشدن آن احترام بگذارند.

کمیسیون حقوق بشر همچنان علاوه کرده است که باید حقوق قربانیان نیز در دستور کار مذاکرات گنجانده شود.

کرونا در افغانستان؛ در شبانه‌روز گذشته هفت نفر جان داده‌اند

از کرونا در کشور به ثبت رسیده است.

این تعداد افراد در ولایت‌های کابل، ننگرهار، غزنی، پکتیکا و فاریاب به دلیل ابتلا به کووید۱۹ جان باخته‌اند.

شمار مجموعی فوتی‌های ناشی از مریضی کووید۱۹ در افغانستان تا دیروز به دوهزار و ۳۳۷ نفر افزایش یافته است. همچنان، در یک شبانه‌روز گذشته ۱۶۸ مریض کووید۱۹ در ولایت‌های کابل، پکتیا، بغلان و غزنی بهبود یافته‌اند.

به این ترتیب، شمار بهبودیافتگان ویروس کرونا در کشور به ۴۲ هزار و ۵۳۰ نفر افزایش یافته است.

کابل‌نان

جنگ مؤمن و معتاد بر سر آفتاب

| سهراب سروش

هر بار که در امتداد خیابان پل سرخ تا لیسهی حبیبیه قدم می‌زنم، سر نیش یک کوچه‌ی فرعی مردی را می‌بینم که کراچی تک‌چرخ خود را مثل یک چوکی، پای دیوار رو به آفتاب قرار داده و خودش درون کاسه‌ی آن نشسته قرآن تلاوت می‌کند. قرآن جیبی کوچکی دارد که آن را آن‌قدر نزدیک چشمانش نگه‌می‌دارد که به نوک بینی‌اش تماس پیدا می‌کند. با این حال هیچ وقت ورق نمی‌زند.

چند روز پیش از فاصله‌ی چندمتری مدتی زیر نظر گرفتمش. پوتین‌های بزرگ و خاکی‌رنگ سربازی به پا داشت. دامن پیراهن افغانی‌اش تا زانو شلوار کوبایش را پوشانده بود. به نظر نمی‌آمد بیش از پنجاه سال زندگی کرده باشد، ولی قوز پشتش درون فرورفتگی فرغون را پر کرده بود. لاغر بود و ناتوانی‌اش احساس می‌شد. ریش و پروتش احتمالا یکی دو ماه پیش اصلاح شده بود ولی کلاه کشی سرش سالیان درازی است که روی آب را ندیده است. وقتی متوجه می‌شد از سمت راست یا چپش کسانی به او نزدیک می‌شوند، صدای قرآن خواندنش را بالاتر می‌برد و وقتی متوجه می‌شد که آدم‌ها مثل بادهای سرد زمستانی بی‌اعتنا از پیش او عبور می‌کنند، صدایش خودبه‌خود پایین می‌آمد. اصلا خاموش می‌شد. چون دیگر به صفحه‌ی قرآنش نگاه نمی‌کرد که کلمه‌ای را تلفظ کند؛ گام زدن و دور شدن آدم‌ها که تلفظ نمی‌شود، درک می‌شود. چه درک ناراحت‌کننده‌ای!

می‌خواستم نزدیک‌تر بروم و سر صحبت را باز کنم که معتادی پیدا شد و از من پیشی گرفت. معتاد درست به فاصله‌ی یک متر کنارش نشست. چشمان خود را تنگ‌تر گرفت و به آفتاب نگاه کرد. آفتاب یکی دو ساعت دیگر پشت کوه «قوریغ» غروب می‌کرد، برای آن‌ها اما غروب بسیار زودتر اتفاق می‌افتاد، زیرا سایه‌ی ساختمان چند طبقه‌ی یک کلپ عروسی تمام عرض خیابان را پوشانده بود و چند دقیقه‌ی دیگر به آن‌ها می‌رسید. به همین دلیل مرد معتاد آن‌قدر نزدیک به مرد مؤمن نشست؛ نزدیکی که جای و خلق مرد مؤمن را تنگ و او را ناراحت کرد.

مرد مؤمن بدون این که قرآنش را ببندد با ناراحتی به مرد معتاد تفهیم کرد که این جا قلمرو من است. باید این جا را ترک کنی. معتاد نیز چیزهای گفت. نزدیک‌تر رفته و شنیدم صدای که پیش‌تر قرآن می‌خواند، اکنون فحش می‌داد: «برو گمشو؛ مرتد نجس!»

قبل از این که معتاد چیزی بگوید، من گفتم: «چه کار داری کاکا، ای بیچاره هم حق داره گرم بیاید.» چشمان کاکا ابلق شد: «چه حق داره؛ تمام شار از دست اینا د عذاب خدا مانده. دزدی اینا می‌کنه، شلواها د خانه‌های مردم اینا می‌درايه، اگه نمی‌کنه خو بگو؛ حتا سیم برق مردمه اینا کنده کده می‌بره می‌فروشه برای خود پودر می‌خره. نه از زن خیر داره، نه از اولاد و پدر و مادر خیر داره، خوشس که نشه می‌کنیم، کفش‌های مسلمانای خدا ره از مسجدا همینا دزدی می‌کنه، نماز اینا نمی‌خوانه، مسلمانی ره خو بیخی هیچ یاد نداره، مه میگم خدا و رسول مبارک دیگام بشرمانه‌شانه. حالی تو سیل کو سر و جان ای مُرداره. چی بوی میته ای، آخ تف.»

تمام این مدت سر معتاد خم بود. وقتی سرش را بالا کرد، به‌جای که جواب او را بدهد، با چهره‌ی که شرمساری را تا ابد انعکاس می‌داد، به من رو کرد؛ «یک ده روپه خو پتی، نان می‌خرم.» قبل از این که من چیزی بگویم، مرد مؤمن ادامه داد: «اینه بخیر؛ گدایی هم می‌کنه.» معتاد از جایش خیزست و در جوابش گفت: «خودت هم گدایی می‌کنی، اوقه قرآن خوان استی چرا در خانه نمی‌خوانی؟» این را گفت و راهش را گرفت و رفت.

پس از او من و مرد قرآن‌به‌دست بیشتر باهم حرف زدیم. در جریان صحبت یک دستمال و یک پلاستیک از جیبش بیرون آورد. قرآنش را اول بوسید و بعد آن را داخل دستمال گذاشت. دستمال را با دقت چهارگوش قات کرد. وقتی داخل خریطه‌ی پلاستیکی جا می‌داد، مراقب بود قاتش خراب نشود. سپس پلاستیک را نیز مرتب قات کرد. بعد به چشمانش مالید و دوباره بوسید و در نهایت در جیب زیر بغلش گذاشت.

باشنده‌ی محله‌ی گذرگاه بود. پنج نفر نان‌خور در خانه داشت. هر روز با کراچی‌اش در جست‌وجوی کار از خانه خارج می‌شود، ولی اکثر شب‌ها نمی‌تواند پنج تا نان خشک به خانه ببرد. از حرف‌هایش پیدا بود که اجاق خانه‌اش سرد و دست‌خوانش خالی است. گفت بعضی شب‌ها کمتر از شش نان به خانه می‌برد. آن را می‌خورند و خدا را شکر می‌گویند. بعد به زن و بچه‌هایش می‌گوید: «از دهان تان چیزی نبراید.» یعنی هیچ‌جا و به هیچ‌کس چیزی نگویند. گفت وقتی بیکار می‌مانم این‌جا قرآن می‌خوانم. یگان بنده‌ی خدا کمک می‌کند. آن روز پنجاه و پنج افغانی به دست آورده بود. هنوز تصمیم نگرفته بود که با آن یک دانه گلپی بخرد یا شش قرص نان. این جا کابل جان است.



رییس سنا و رهبر جبهه آزادی‌بخش اسلامی مورو حین تبادل اسناد پس از امضای توافقنامه صلح. عکس از AP

صلح به مثابه روند، نه محصول؛ درس‌های روند صلح فیلیپین

فاطمه فرامرزی

گزارشگر

در ۲۷ مارچ ۲۰۱۴ دولت فیلیپین و «جبهه آزادی‌بخش اسلامی مورو» توافق نامه‌ای را برای پایان دادن به درگیری مسلحانه که از سال ۱۹۶۹ آغاز و باعث کشته‌شدن بیش از ۱۲۰ هزار نفر و آوارگی هزاران تن دیگر شده بود، امضا کردند.

فیلیپین یک مجمع الجزایر است که از حدود هفت‌هزار جزیره تشکیل شده است. لوزون و میندانائو از جمله بزرگ‌ترین جزیره‌هاست. فیلیپین تنها کشور آسیایی با اکثریت جمعیت مسیحی است. حدود ۱۰۰ میلیون نفر در سرزمینی با مساحت ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع زندگی می‌کنند. سیستم حکومتی ریاست‌جمهوری است که قدرت اجرایی آن محدود به یک دوره شش ساله است. «سیر تکاملی روند صلح فیلیپین» عنوان مقاله‌ای است که توسط کریستین هربولزهایمر نوشته و از سوی «مرکز منابع صلح‌سازی ناروی» نشر شده است. این مقاله در کنار این که عوامل جنگ، پیامدهای انسانی آن و روند صلح در فیلیپین را بررسی کرده است، شماری از درس‌های مختصر و مفید را که سایر روند صلح در جهان می‌توانند از فیلیپین بیاموزند، فهرست کرده است:

ریشه‌ها و پیامدهای جنگ

جمعیت مسلمان میندانائو از زمان مستعمره اسپانیا بین سال‌های ۱۵۶۵ تا ۱۸۹۸ با آزار و تبعیض مواجه بودند. فیلیپین در سال ۱۸۹۸ زمانی که تحت استعمار دولت ایالات متحده قرار گرفت، دولت استعماری ایالات متحده (۱۸۹۸-۱۹۴۵) فرآیندی را برای توزیع زمین آغاز کرد و این فرایند شهرکنشینان مسیحی را که از سایر جزیره‌های مجمع الجزایر می‌آمدند، ممتاز می‌کرد. پس از استقلال در سال ۱۹۴۵ این سیاست همراه با سیاست‌های دولت به هدف جذب اقلیت مسلمان، ادامه یافت. در حال حاضر، جمعیت مسلمانان تنها در بخش غربی میندانائو و جزایر مجاور که تا مرزهای مالزی و اندونزی تکنیر می‌شوند، اکثریت هستند. ده درصد از جمعیت این منطقه مردمان بومی غیر مسلمان هستند.

در سال ۱۹۶۸ قتل عام نیروهای تازه نفس ارتش مسلمان در مانیلا منجر به ایجاد «جبهه آزادیبخش ملی مورو» شد که مبارزه مسلحانه برای استقلال را آغاز کرد. در سال ۱۹۹۶ دولت و جبهه آزادیبخش ملی مورو توافقنامه‌ای صلح را امضا کردند و این توافقنامه به ایالاتی که دارای جمعیت اکثریت مسلمان بود، خودمختاری اعطا کرد. در نتیجه جبهه آزادیبخش ملی مورو از به جنگ پایان داد اما یک گروه فرعی زیر عنوان جبهه «آزادیبخش ملی اسلامی مورو» از توافقنامه جدا شد و مفاد آن را رد کرد. با این حال، ترجیح این شورشیان برای یک راه‌حل مذاکره منجر به امضای آتش بس دو جانبه در سال ۱۹۹۷ و آغاز مذاکرات رسمی صلح در سال ۱۹۹۹ شد.

درگیری مسلحانه در میندانائو، به‌ویژه در دهه ۱۹۷۰ باعث مرگ ۱۲۰ هزار نفر شده است. با آغاز قرن ۲۱ از شدت این درگیری مسلحانه کاسته شد اما بی‌ثباتی مداوم باعث ایجاد پدیده‌ای از جایجایی‌های متعدد شده است. آخرین بحران سیاسی در روند صلح در سال ۲۰۰۸ باعث جابه‌جایی حدود ۵۰۰ هزار نفر شد که طی چند هفته سبب شدیدترین بحران انسانی در جهان شد.

ساختار و توسعه مذاکرات

مذاکرات صلح فیلیپین به مدت ۱۷ سال به طول انجامید و در ابتدا در فیلیپین و بدون مداخله انجام

شد. از سال ۱۹۹۹ تیم‌های مذاکره‌کننده با پشتیبانی از یک تیم فنی متشکل از حدودا ده نفر، پنج عضو نمایندگی کامل داشتند. شدت و مدت مذاکرات طی سال‌ها در نوسان بود. در آخرین دوره بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ طرفین در هر ۲۶ دور مذاکره، بین سه تا پنج روز با هم دیدار کردند.

مذاکرات سه بار متوقف شد و درگیری‌های مسلحانه جدیدی در سالهای ۲۰۰۰، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸ آغاز شد. بعد از آن که طرفین با طراحی سازوکارهای جدیدی برای تقویت زیرساخت‌های توافق کردند، در سال ۲۰۰۱ دولت مالزی درخواست دولت فیلیپین برای میزبانی و تسهیل مذاکرات را پذیرفت. در سال ۲۰۰۴ طرفین توافق کردند که برای تأیید آتش‌بس یک تیم نظارت بین‌المللی متشکل از ۵۰ عضو غیرمسلح نیروهای مسلح مالزی، لیبیا و برونای در پنج شهر شامل منطقه درگیری، تشکیل شود. این تیم در سال ۲۰۰۹ گسترش و تقویت شد؛ دو افسر ارتش ناروی مؤلفه امنیتی را تقویت کردند، در حالی که اتحادیه اروپا دو متخصص در زمینه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی ارائه داد. تیم نظارت بین‌المللی به موازات آن یک مؤلفه حمایت از غیرنظامیان را شامل می‌شد که شامل یک سازمان بین‌المللی و سه سازمان غیردولتی محلی بود.

در سال ۲۰۰۹ طرفین مذاکره توافق کردند که یک گروه تماس بین‌المللی ایجاد کنند تا به‌عنوان ناظر در مذاکرات عمل کرده و به طرفین مشاوره دهند. این گروه تماس بین‌المللی با حضور چهار کشور به‌شمول انگلیس، جاپان، ترکیه و عربستان سعودی همراه با چهار سازمان بین‌المللی تشکیل شد.

توافقنامه‌های صلح

مذاکرات صلح در سال ۱۹۹۷ با توافق در مورد آتش‌بس جامع آغاز شد. در توافقنامه طرابلس در سال ۲۰۰۱ طرفین یک دستور کار مذاکره را با سه عنصر اصلی تعریف کردند: امنیت (که قبلا در سال ۲۰۰۱ توافق شده بود). واکنش بشردوستانه، توان‌بخشی و پیش‌رفت در امور اقتصادی (توافق شده در سال ۲۰۰۲) و سرزمین‌های اجدادی (۲۰۰۸).

سرانجام در اکتبر ۲۰۱۲ طرفین چارچوب توافقنامه را تصویب کردند که نقشه راهی برای گذار سیاسی ایجاد می‌کرد. در ۱۵ ماه بعدی، طرفین پیوسته‌های مربوط به روش‌های انتقالی (فبروری ۲۰۱۳)، تولید درآمد و تقسیم ثروت (جولای ۲۰۱۳)، تقسیم قدرت (دسامبر ۲۰۱۳) و عادی سازی (جنوری ۲۰۱۴) را منعقد کردند. سرانجام، در مارچ ۲۰۱۴ توافقنامه جامع در کاخ ریاست‌جمهوری امضا شد.

محور اصلی توافقنامه ایجاد یک قلمرو خودگردان جدید به‌نام «انگسامورو» است که پس از انتقال به رهبری جبهه آزادی‌بخش اسلامی مورو جایگزین منطقه خودمختار مسلمان میندانائو شد. این توافقنامه فرایندی را برای اصلاحات در منطقه خودمختار جدید پیش‌بینی می‌کند که با یک سیستم پارلمانی جای‌گزین سیستم ریاست‌جمهوری حاکم بر بقیه کشور می‌شود.

درس‌هایی که این روند طولانی برای سایر روند‌های صلح آموخته است

هر روند صلح به درگیری خاصی پاسخ می‌دهد که به دلایل مشخص و در شرایطی خاص اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زمانی به‌وجود می‌آید. با این حال، تحلیل مقایسه‌ای در هر پروسه صلح اساسی است. برخی از درس‌های فیلیپین می‌تواند برای سایر کشورهای درگیر جنگ و روند صلح آموزنده باشد:

مذاکرات تنها یکی از مسیرهای مختلف صلح است. به موازات مذاکرات بین دولت و مخالفان، سایر فرایندهای گفت‌وگو باید روابط بین بخش‌هایی از جامعه را که در طول درگیری مسلحانه تقسیم شده یا باقی مانده‌اند، ایجاد یا بازیابی کند.

۱. صلح یک محصول نیست، بلکه یک فرایند است. ظرفیت تحول‌آفرینی یک توافقنامه صلح و پایداری آن در طول زمان به مشروعیت آن بستگی دارد، که این مشروعیت به نوبه خود به میزان مهارت بازی‌گران اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که در روند صلح احساس مالکیت دارند و مشورت‌های‌شان در روند منجر به توافق می‌شود، بستگی دارد.

۲. مذاکرات تنها یکی از مسیرهای مختلف صلح است. به موازات مذاکرات بین دولت و مخالفان، سایر فرایندهای گفت‌وگو باید روابط بین بخش‌هایی از جامعه را که در طول درگیری مسلحانه تقسیم شده یا باقی مانده‌اند، ایجاد یا بازیابی کند. این امر برای دستیابی به تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی لازم برای غلبه بر یک درگیری مسلحانه طولانی‌مدت، ضروری است.

۳. زمینه موجود خواستار تلاش برای تسهیل مشارکت بخش‌های که از نظر تاریخی محروم بوده‌اند، مانند زنان، قربانیان جنگ و اقلیت‌هاست. گنجاندن این بخش‌ها به افزایش مشروعیت بین‌المللی روند صلح کمک زیادی می‌کند.

۴. بحران‌هایی که در جریان مذاکرات به‌وجود می‌آیند همچنین فرصت‌هایی برای بهبود سازوکارهای پشتیبانی از گفت‌وگوها هستند.

۵. یک دولت درگیر در یک روند صلح باید دستگاه قانون‌گذاری را نیز شامل باشد و برداشته‌های قوه قضائیه را قبل از امضای توافقنامه در نظر بگیرد. اصلاحات قانون اساسی بهترین تضمین برای تحکیم تحول ساختاری یک کشور است.

۶. فرصت دادن به یک شورش برای تبدیل شدن آن به یک حرکت سیاسی عاری از زورگویی و تهدید، بهترین تضمین عدم تکرار درگیری‌های مسلحانه است. چنین تحولی را می‌توان با جلوگیری از انزوای بالقوه اجتماعی و سیاسی شورش، و همچنین توافق در مورد اقدامات انتقالی برای مشارکت سیاسی پیش از آن که یک گروه شورشی بتواند در شرایط برابر با جنبش‌های سیاسی تثبیت شده رقابت کند، افزایش دهد.

۷. کنار گذاشتن اسلحه توسط شورشیان و تغییر مکان و اصلاح بخش امنیتی دولت، فرایندهای تدریجی و وابسته به یک‌دیگر هستند که به ایجاد اعتماد کمک می‌کنند. شورشیان باید بدانند مشروعیت سختی که به‌عنوان یک بازیگر صلح به دست آورده‌اند را تنها با یک اشتباه در مدیریت سلاح‌ها از بین ببرند.

۸. اجرای توافقنامه‌ی صلح می‌تواند به سختی مذاکرات باشد. این امر در فیلیپین از طریق ایجاد نهادهای اجرایی توافقنامه ترکیبی که اجازه کار مشترک و تکمیلی بازی‌گران ملی و بین‌المللی، مدنی و نظامی، نهادی و جامعه مدنی را می‌دهد، مدیریت شده است.

۹. اجرای توافقنامه صلح به معنای رابطه نامتقارن قدرت است که برای دولت مطلوب است. اگر یک جنبش شورشی با اجرای توافقنامه موافقت نکند، مسلما توافقنامه مشروعیت خود را از دست می‌دهد.

۱۰. جامعه بین‌المللی نقش تعیین‌کننده در همراهی و حمایت از روند صلح دارد. اما نقش آن همیشه ثانویه است و جایگزین رهبری ملی نمی‌شود. دستور کار مذاکره، جدول زمانی، طراحی رایزنی‌ها، شرایط مرجع پشتیبانی بین‌المللی و سایر عناصر اساسی روند صلح باید منحصراً در اختیار بازی‌گران ملی باشد.

حفظ نظام سیاسی در اولویت است

گفت‌وگو با حفیظ منصور، عضو هیأت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان

عباس عارفی



“

حکومت متمرکز و ریاستی را که توسط یک فرد فارغ از این‌که فرد کی باشد، نه بسیار اسلامی می‌دانیم و نه به منفعت افغانستان. لذا برای من و حزبی که از آن نمایندگی می‌کنیم این موضوع فیصله‌شده است که با راهکارهای مشروع و قانونی باید برویم به طرف یک نظام پارلمانی و انتخابی شدن والی‌ها

دخیل بودند، حالا در روند صلح کشورهای منطقه و همسایه‌های افغانستان چه طرح و برنامه در زمینه نظام سیاسی آینده افغانستان دارند؟

تا جایی که من اطلاع دارم، کشورهای منطقه کدام مدل حکومت‌داری را پیشنهاد نکرده، اما برخی از این کشورها در کلیت با این گفت‌وگوها ملاحظه دارند و فکر می‌کنند که این گفت‌وگوهای صلح که در دوحه آغاز شده، یک پروژه امریکایی است که به قدر کافی با کشورهای همسایه افغانستان مشورت نشده. طوری که وزیر خارجه ایران بسیار واضح این موضوع را مطرح کرد. کشورهای دیگری هم هستند که هنوز این بحث‌ها برای شان مبهم

و همه می‌دانند. همه‌ی راه آزموده شده، برای آوردن اصلاحات و تعدیل در قانون اساسی راه صلح‌آمیز را پیشنهاد می‌کنیم و این را به نفع مردم افغانستان می‌دانیم. هر چه دیر بیاید، ولی درست بیاید. گشودن یک دروازه نادرست، غلط و غیرقانونی را همه زیانتش را می‌دانیم و آن را به حال افغانستان و خود ما مفید نمی‌دانیم.

به نظر می‌رسد طالبان از امارت‌خواهی گذشته، اما نظام خالص اسلامی را که مطرح کرده هم وضاحت نداده، با توجه به شناختی که در دور اول از طالبان دارید، نظام پیشنهادی طالبان چه خواهد بود؟

پیشداوری نمی‌کنم، مردم ما مسلمان هستند و در راه اسلام قربانی فراوان داده‌اند و از هر کس دیگر شایسته نظم سوچه اسلامی هستند، اما نظام سوچه اسلامی چیست؟ به عقیده‌ی من هر موضوع را باید به اهل آن بسپاریم. علما و دانشمندان مسلمان، چه آن‌های که در داخل افغانستان هستند و چه آن‌های که در بیرون از افغانستان هستند، آن‌ها بیایند تشخیص بدهند که چه راه و روش اسلامی‌تر است. ما تجارب خوب و در عین حال متفاوت داریم، از اندونیزیا تا مراکش. ببینیم که کدام مدل و نحوه حکومت‌داری اسلامی‌تر و با وضعیت زندگی ما سازگارتر است. اگر فرماندهان جنگی و روزنامه‌نگاران در این مورد به جزئیات وارد نشوند شاید بهتر باشد.

در جنگ افغانستان کشورهای مختلف

کس دیگر محفوظ می‌دانیم. اما تصمیم نهایی به دست مردم است. مطابق آنچه در قانون اساسی پیش‌بینی شده، مردم یک چیزی را تجویز می‌کنند و بعد می‌بینند که از این بهتر هم می‌شود. مثلاً در نحوه قانون‌گذاری در همه جای و از جمله افغانستان معمول است که یک قانون تصویب می‌شود، بعد از چند وقت معایب و نواقص آن که آشکار شد، نمایندگان مردم آن را تعدیل می‌کنند.

در بحث ما نظام تغییر نمی‌کند، بلکه تعدیلات در آن به وجود می‌آید. نظام کنونی مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد. مردم اگر از نظام راضی بودند مشروع است، مردم اگر ناراضی بودند نامشروع است. نظام کنونی سه نهاد مستقل دارد، این‌ها حفظ می‌شود، اما در جزئیات آن اصلاحات به وجود می‌آید تا وضعیت بهتر شود.

این نیاز به اصلاحات و تعدیلات که در جزئیات نظام آیا در درون هیأت مذاکره‌کننده مطرح شده است؟

این بحثی است که تازه باید آغاز شود. قبل از این در مورد طرز‌العمل صحبت شد. حالا فکر می‌شود که در دور دوم مذاکرات سخن به چگونگی نظام، ساختار و تشکیلات نظام کشانده خواهد شد. فرصت داریم که روی آن صحبت کنیم و باز ببینیم که ما در این مورد یکسان فکر می‌کنیم یا اختلاف داریم. من فکر می‌کنم که معایب و نواقص نظام ریاستی در طول ۱۹ سال پسین آشکار شده

برنامه مشخص در زمینه‌ی بحث روی نظام سیاسی پیشکش کرده است؟ در این مورد برای ما کدام نسخه مکتوب داده نشده، اما با توجه به وضعیت کنونی که وسایل ارتباطی بسیار شفاف وجود دارد، اگر چنین موضوعی مطرح شد هر لحظه می‌شود اجازه بخواهیم، مشورت بگیریم و دستور مقام‌های عالی را دریافت کنیم.

آنچه مسلم است این‌که هیأت دولت افغانستان خود را مکلف به حفظ نظام جمهوری اسلامی افغانستان می‌داند و این نقطه اتفاق بین همه‌ی گروه‌های سیاسی چه آن‌ها بیرون از حکومت و چه آن‌های درون حکومت هستند، است. همچنان میان ارگ ریاست‌جمهوری و اعضای شورای عالی مصالحه نیز حفظ نظام سیاسی نقطه مشترک است.

با توجه به شناختی که دارید، آیا طالبان حاضر خواهند شد که در قالب نظام کنونی با شما توافق کنند؟

ما فکر می‌کنیم که نظام کنونی منافع همه را می‌تواند رعایت کند و کدام زبان خاص را متوجه کسی نمی‌کند. این نظام سه قوه دارد و متکی بر اراده و رأی مردم است. این چیزی است که هم تجربه موفق جهانی به آن موافقت دارد و هم آموزه‌های دینی با آن سازگار است. در این مدت که در کابل بودید، آیا روی نظام آینده، یعنی لزوم آوردن اصلاحات یا غیرقابل گفت‌وگوبودن نظام سیاسی با گروه‌های مردمی صحبت و رایزنی داشتید؟ دیدگاه مردم در مورد نظام سیاسی چیست؟

ما راجع به نحوه دولت‌داری در افغانستان از مدت‌ها قبل، پیش از این‌که بحث مذاکرات صلح مطرح باشد، ملاحظات خود را داشتیم و طرفدار اصلاحات بودیم. طرفدار این بودیم که قدرت باید توزیع شود و جناح‌های مختلف و مطرح سیاسی و قومی در افغانستان در تصمیم‌گیری‌ها سهیم باشند.

حکومت متمرکز و ریاستی را که توسط یک فرد فارغ از این‌که فرد کی باشد، نه بسیار اسلامی می‌دانیم و نه به منفعت افغانستان. لذا برای من و حزبی که از آن نمایندگی می‌کنیم این موضوع فیصله‌شده است که با راهکارهای مشروع و قانونی باید برویم به طرف یک نظام پارلمانی و انتخابی‌شدن والی‌ها، که والی‌ها بخشی از صلاحیت‌های محلی را در اختیار داشته باشند و همیشه در مسائل کوچک نیازمند کسب اجازه از کابل نباشد.

در رابطه به کلیت نظام جمهوری اسلامی افغانستان از نظر شما غیرقابل مذاکره است، اما در رابطه به نحوه توزیع قدرت یا ساختار توزیع قدرت که آن را غیراسلامی و خلاف منفعت مردم می‌دانید، بنابراین چگونه در عین حالی که مخالف بخشی از این نظام هستید، در مقابل طالبان از نظام کنونی دفاع می‌کنید؟

بسیار مثال ساده است؛ ما از چارچوب نظام یعنی از نقشه اساسی این خانه دفاع می‌کنیم، این‌که درون این خانه پرده‌ها چطور باشد، چوکی‌ها در کجا مانده شود و کی به کجا باشد، این مسأله حق همگی است که به هر

دور اول گفت‌وگوهای صلح دولت افغانستان و طالبان در مدت ۹۰ روز در دوحه روی تهیه طرز‌العمل کاری هیأت‌های مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان جریان داشت که دو طرف در نهایت به توافق رسیدند. پس از آن تا ۵ جنوری سال ۲۰۲۱م، هیأت‌های دو طرف به رخصتی رفتند و هیأت جمهوری اسلامی افغانستان جهت مشوره و رایزنی به کابل آمدند. در این فرصت گفت‌وگویی داشتیم با حفیظ منصور، عضو هیأت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان در مورد ضرورت حفظ یا تعدیل نظام سیاسی در دور بعدی مذاکرات در دوحه.

با توجه به تجربه دور نخست مذاکرات، طالبان را چگونه گروهی تعریف می‌کنید؟ به عقیده من طالبان یک لشکر جنگی است که نه یک دیدگاه تدوین‌شده سیاسی دارند که آن را منتشر کنند و ما در روشنی آن بفهمیم که آن‌ها چه می‌خواهند، و نه یک جنبش خالص دینی هستند، بلکه از دین فقط به‌عنوان یک حربه و شعار استفاده می‌کنند. لذا ما با یک گروه جنگ‌آور روبه‌رویم و احتمال زیاد وجود دارد که در طول مذاکرات چالش رخ بدهد.

چگونه با یک گروه جنگ‌جوی بدون ایدئولوژی و فاقد بنیه‌های دینی که فقط جنگ را می‌شناسند، مذاکره می‌کنید و توقع دارید از طریق مذاکره به توافق صلح برسید؟ وقتی می‌گویم طالبان یک حرکت دینی نیستند، دلیل من این است که این‌ها به پیشنهاد هیأت دولت افغانستان مبنی بر این‌که با مراجعه به مراجع دینی در راستای حل مشکل افغانستان اقدام شود، پاسخ رد دادند. آن‌ها را به مناظره دینی دعوت کردیم آماده نشدند. از آن‌ها خواستیم که بیایید در این زمینه یک بحث آزاد در رسانه‌ها داشته باشیم آماده نشدند. از آن‌ها خواسته شد که بیایید صلاحیت را به یک گروه خالص علمای دو طرف بسپاریم و با مراجعه به قرآن و سنت رسول‌الله موضوع را حل کنند، آماده نشدند.

بالاترین مقام‌های گروه طالبان برای توجیه اعمال و عملکردهای‌شان دلیل دینی ندارند. در واقع بحث عوام‌فریبی است، توده‌ها را به حرکت درآوردند که آن‌ها عمق مسائل را بر سران نمی‌کنند. وقتی می‌گوییم که خدا و پیامبر چنین گفته، با قلب صاف که دارند قانع می‌شوند. اما وقتی نخبگان روی یک موضوع صحبت می‌کنند، آن‌ها دلایل را هم برسان می‌کنند، سند و منبع را جست‌وجو می‌کنند، اما طالبان آماده چنین چیزی نشدند.

ای کاش طالبان یک گروه دینی می‌بودند، یا علمای افغانستان یا علمای دو طرف یا یکی از نهادهای معتبر دینی، در کشورهای اسلامی، از ال‌زهر گرفته تا اندونیزیا، مالیزیا، ایران و عراق مؤسسات و نهادهای بسیار با اعتبار دینی وجود دارد که می‌شود قضیه را به آن‌ها محول کنیم و آن‌ها در این مورد تصمیم بگیرند.

به نظر می‌رسد نظام سیاسی از جمله چالش‌های اصلی دور دوم مذاکرات خواهد بود، آیا حکومت و شورای عالی مصالحه ملی برای هیأت مذاکره‌کننده

جلسه‌ی شصت و نهم جریان سیال ذهن

سخن‌گفتار هانف



Aljazeera

بار تأکید داشته است که این پول در یک صندوق یا حساب خاص جمع شده و دوباره برای انکشاف و بهبود وضعیت شهر کابل به مصرف خواهد رسید و از آن برای بقیه کارهای دولت استفاده نخواهد شد. پس بسازید اما آماده پرداخت باشید.»

در این پاره‌ای که نقل شد، به خوبی می‌توان دید که چرخه‌ی پالیسی‌سازی و مدیریت در این حکومت چگونه می‌چرخد. حکومت سازندگان «ساختمان‌های غیرپلانی و خودسر» را جریمه‌ی سنگین می‌کند. نمی‌گوید که اعمار این‌گونه ساختمان‌ها ممنوع است. می‌گوید آماده‌ی تادیبه‌ی جریمه باشید: «بسازید، اما آماده‌ی پرداخت باشید!» از دو حالت خارج نیست: یا حکومت توان آن را ندارد که اعمار این‌گونه ساختمان‌ها را متوقف کند یا توانش را دارد و متوقف نمی‌کند تا از «مدرک اعمال جریمه»‌های سنگین پنجاه میلیارد افغانی جمع کند. اگر حکومت نمی‌تواند جلو ساختن این‌گونه

نویسنده‌ی آن رمان پلیسی-جنایی از آن رنج نمی‌برد. به بیانی دیگر، دنیای سیاست‌گذاری و مدیریت حکومتی را نمی‌توان عرصه‌ی جریان سیال ذهن پنداشت و نتایج این جریان را فوراً در هیئت پالیسی عرضه کرد.

مثال بدهم؟ مثالش را در همین تصمیم شصت و نهم از جلسات شش و نیم صبح معاون اول رییس‌جمهور ببینیم. ایشان در بخشی از تصمیم صبح روز دوشنبه چهاردهم جدی نوشته است:

«قرار است در همین هفته لایحه اعمال جریمه‌های سنگین بالای ساختمان‌های غیرپلانی و خودسر نهایی گردد. از بین‌رو هرکسی که می‌خواهد بلندمنزل بسازد باید آمادگی تادیبه جریمه را داشته باشد... ما گمان می‌بریم که از مدرک اعمال جریمه بالای بلندمنزل‌های خودسر تا پنجاه میلیارد افغانی به خزانه دولت واریز خواهد گردید. مقام ریاست‌جمهوری بار

تصور کنید که یک بنگاه چاپ و انتشار کتاب دارید. به یکی از نویسندگان مشهور و خلاق پیشنهاد می‌دهید که رمانی بنویسد در فلان زمینه؛ مثلاً رمان پلیسی-جنایی که شخصیت اصلی‌اش فلان آدمکش مشهوری باشد که به تازگی -پس از پانزده سال- دستگیر شده است. به آن نویسنده می‌گویید که یک ماه وقت دارد که این رمان را در سه‌صد صفحه تمام کند و به انتشارات بسپارد. یک ماه بعد، آن رمان در بنگاه شماس و آماده‌ی انتشار. نویسنده در این رمان تخیل خود را به جولان آورده و رویدادهای هیجان‌انگیز بسیاری خلق کرده است. دستش باز بوده، رمان نوشته دیگر. اما اگر شما یک مدیر بالارتبوی حکومتی باشید و قرار باشد که به زندگی ساکنان پایتخت سروسامان بهتری بدهید، کارتان با آن رمان‌نویس خلاق فرق می‌کند. طبعاً شما نیز باید خلاق باشید و تخیل خوبی داشته باشید. اما خلاقیت و تخیل شما با تنگناهای عملی بسیاری محدود می‌شود؛ چیزی که

نویای رو به خاموشی در هرات

آخرین استاد دوتارنواز موسیقی محلی هرات رخ در نقاب خاک کشید



هم اکنون تنها چندین نوازنده موسیقی در هرات برای بقای موسیقی محلی تلاش می‌کنند.

سلیم خوشنواز، طبله‌نواز، عبدالطیف امینی، رباب‌نواز، قدوس توکل، دوتارنواز، ماما نثاراحمد عطایی دوتارنواز و چهارتارنواز، آخرین پیشکسوتان نوازندگی موسیقی محلی در هرات هستند. آنان نیز در تنگدستی مفرط به سر می‌برند و هم اکنون قدوس توکل در بستر بیماری است.

نثاراحمد، حدود شش دهه است که در هرات دوتار می‌نوازد. او نیز در شرایط بد اقتصادی زندگی‌اش را ادامه می‌دهد. او در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید: «موسیقی محلی هرات فلج شده و هیچ کس نیست که خیلی خوب آواز بخواند و ما هم چند روز بیشتر زنده نیستیم و موسیقی محلی هرات فراموش خواهد شد. هیچ کس به غم موسیقی نیست.»

«پیرگدایی»

جواد تابش، یکی از مشهورترین هنرمندان موسیقی کلاسیک در بخش‌های غزل و فولکوریک در هرات است. او نزدیک به پنج دهه است که در بخش هنر موسیقی کار می‌کند.

او در صحبت با روزنامه اطلاعات روز در واکنش به مرگ گدامحمد، دوتارنواز مشهور می‌گوید که با دفن این فرد، بقایایی موسیقی فولکوریک هرات در دل خاک دفن شده است: «آخرین یادگار موسیقی محلی هرات گدامحمد بود و دیگر کسی هم‌تراز با او نداریم. موسیقی محلی رو به فراموشی می‌رود. نه از طرف مردم و نه از طرف حکومت هیچ کاری برای زنده نگه‌داشتن موسیقی محلی صورت نگرفته است.» این هنرمند مطرح هراتی در توصیف وضعیت کهولت سن آوازخوانان و نوازندگان مطرح موسیقی، اصطلاح «پیرگدایی» را به کار می‌برد که اغلب هنرمندان وقتی به سن پیری می‌رسند، قادر به درمان و بر آورده ساختن نیازمندی‌های اقتصادی‌شان نیستند.

موسیقی محلی هرات، در دست‌کم دو سال اخیر چندین تن از پرچمداران‌ش را از دست داده است. از طرف دیگر، طی پنج سال اخیر افراط‌گرایان دینی در هرات بیشتر شده‌اند؛ گروهی که بارها مخالف برگزاری کنسرت در این ولایت بوده و همچنین آموزش موسیقی مخصوصا به زنان به‌صورت پنهانی صورت می‌گیرد.

هرچند بنیاد فرهنگی آغا خان در هرات در بخش آوازخوانی، هارمونی و طبله آموزش‌هایی را برگزار می‌کند، اما به‌طور نیمه‌پنهانی. مرکز آموزش تابلو ندارد و به خبرنگاران اجازه تصویربرداری هم داده نمی‌شود.

جواد تابش، یکی از هنرمندان موسیقی هرات می‌گوید که گسترش تعصب دینی باعث شده است که هیچ کاری برای رشد هنر موسیقی محلی هرات صورت نگیرد.

این هنرمند امیدوار بود که با کسب جواز وزارت اطلاعات و فرهنگ و آغاز فعالیت «بنیاد علمی و فرهنگی استاد سرآهنگ»، زمینه برای رشد موسیقی فولکوریک هرات باز شود، اما به‌دلایل مخالفت افراط‌گرایان و کارشکنی برخی از مقام‌های حکومتی موفق به فعال‌سازی این بنیاد نشد.

قرار بود این نهاد برای زنده‌نگه‌داشتن موسیقی محلی تلاش کند: «۱۳ سال پیش می‌خواستیم این بنیاد را تأسیس کنیم. در این بنیاد موسیقی فولکوریک اصیل افغانستان تدریس شود و به شکل درست از هنرمندان و نوازندگان حمایت شود، اما افراط‌گرایی دینی عمده‌ترین مانع برای ایجادنشدن این بنیاد شد.»

جواد تابش در سال ۲۰۰۶ میلادی اقدام به برگزاری کورس موسیقی برای زنان در هرات کرده بود، اما وی به‌دلیل تهدیدات فزاینده، تنها یک دوره از این کورس را برگزار کرد: «قرار بود که کورس موسیقی زنان ادامه داشته باشد. اما یک دوره ۳۰ دختر را آموزش دادم و فریده ترانه، ستاره و مینا به برنامه استعدادیابی ستاره افغان کامیاب شدند و رشد کردند.»

اما حالا او کمتر به اجرایی موسیقی می‌پردازد و حالا به کار شخصی روی آورده است. با تلاش پی‌هم، اما مسئولان فرهنگی هرات در مورد این گزارش حاضر به صحبت نشدند.

موسیقی محلی هرات، در دست‌کم دو سال اخیر چندین تن از پرچمداران‌ش را از دست داده است. از طرف دیگر، طی پنج سال اخیر افراط‌گرایان دینی در هرات بیشتر شده‌اند؛ گروهی که بارها مخالف برگزاری کنسرت در این ولایت بوده و همچنین آموزش موسیقی مخصوصا به زنان به‌صورت پنهانی صورت می‌گیرد.

واجد روحانی - هرات

گزارشگر

نام گدامحمد با موسیقی محلی هرات گره خورده بود. او شش دهه از عمرش را با نواختن دوتار از جان خود مایه گذاشت. سرانجام روز جمعه رخ در نقاب خاک کشید. بستگان گدامحمد به روزنامه اطلاعات روز می‌گویند که وی در ۱۱ جشنواره بین‌المللی در اروپا و آسیا شرکت کرده و توانسته بود از موسیقی محلی هرات نمایندگی خوب کند. اتحادیه هنرمندان موسیقی هرات، از گدامحمد به‌عنوان «پل ارتباطی میان موسیقی افغانستان و اروپا» یاد می‌کند.

آخرین استاد دوتارنواز

هرچند در خانواده گدامحمد کسی به موسیقی با نغذاشته بود، اما وی به‌دلیل علاقه‌اش به نواختن دوتار رو آورد. بخشی از آموزش گدامحمد نزد کریم هروی سپری شد. آقای هروی با نوآوری در بخش دوتار و افزایش تارها و پرده‌های دوتار، ظرفیت دوتار را برای نواختن راک‌های مروج موسیقی بلند برد. او حدود نه سال پیش فوت کرد.

سلطان احمد، فرزند گدامحمد در سوگ از دست‌دادن پدرش نشسته است. او در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید با وجودی که پدرش برای معرفی دوتار هرات در سطح جهان تلاش زیاد کرده بود، اما حکومت هیچ کاری برای پدرش نکرده است. او تأکید دارد که هیچ یک از اعضای خانواده‌اش نمی‌خواهند که راه پدرشان را ادامه بدهند و مطمئنا که با دفن گدامحمد با این ساز محبوب پدری خداحافظی می‌کنند: «تنها برادر من به‌طور شوقی گاهی وقت دوتار می‌نوازد و هیچ کدام از ما نمی‌خواهیم که راه استاد را ادامه بدهیم و نواختن دوتار هیچ سودی به ما نداشته.»

نعمت‌الله هاشمی، رییس اتحادیه هنرمندان موسیقی هرات در صحبت با روزنامه اطلاعات روز، گدامحمد را آخرین استاد دوتارنواز افغانستان می‌گوید: «دوتار افغانستان را به‌نام کریم هروی و گدامحمد در سطح جهان می‌شناسند. استاد گدامحمد ۱۳ کنسرت موسیقی در ۲۷ روز در اروپا برگزار کرد. در این کنسرت‌ها مردم اروپا، با موسیقی محلی افغانستان آشنا شدند.»

او تأکید دارد که با فوت گدامحمد، آخرین میخ بر تابوت موسیقی محلی هرات کوبیده شده است: «وقتی دولت نتواند از میراث فرهنگی خود پاسداری کند و بقا ببخشد، این نوع موسیقی از بین می‌رود و حالا همین کار شده است.»

در سال جاری محمود خوشنواز و نعیم‌جان خوشنواز، دو تن از چهره‌های مطرح موسیقی محلی هرات فوت کردند و سال گذشته نیز قاسم مسرور، آوازخوان محلی و ممثل تئاتر و جلیل‌احمد دل آهنگ، آوازخوان محلی نیز به‌دلیل سکنه قلبی در اواخر سال ۹۷ درگذشتند. بیشتر هنرمندان محلی هرات زندگی فقیرانه دارند و با کمترین امکانات زندگی می‌کنند. حکومت در سال ۹۸ از کد ۹۱ ماهوار ۱۰ هزار افغانی برای گدامحمد و قاسم مسرور پرداخت می‌کرد، اما به‌گفته‌ی رییس اتحادیه هنرمندان موسیقی محلی هرات، این پرداخت پول به‌دلیل مخالفت وزارت اطلاعات و فرهنگ لغو شد.

موسیقی محلی هرات در سطح کشور بسیار مشهور است، اما حالا هیچ آوازخوان مطرح این سبک موسیقی در قید حیات نیستند. نعمت‌الله هاشمی، رییس اتحادیه هنرمندان موسیقی محلی هرات می‌گوید که

این مذاکرات تنها بده و بستان نمی‌باشد. پهلوی دیگر آن گفت‌وگوهای سازنده است که اگر نکاتی را متوجه نشده باشیم آن را اصلاح کنیم. مثلا امیرالمؤمنین در زمانه‌ی فعلی چه کاربردی دارد. اگر واقعا ما را قانع کرده بتوانند و ملت قانع شوند، در برابر یک مکتب ما تسلیم می‌شویم. اما وقتی می‌بینیم که همه‌ی دنیا می‌گوید که امارت طالبان قابل برگشت نیست، یک نظام را که دنیا نمی‌پذیرد و یک مقام را که دنیا به رسمیت نمی‌شناسد و از او وحشت دارد، در آن‌صورت ما انتظار داریم که سعی برای بازی برد-برد کنیم، نه سعی بر این‌که یک طرف را بشکندیم و مایوس کنیم. اما در مورد برگشت امارت و مقام امیرالمؤمنین فکر می‌کنم که ما ذی‌حق‌تر هستیم که حرف بزنیم و طالبان آن را بپذیرند. یک نظام داشته باشیم که رهبران آن در لیست سیاه بین‌المللی باشد، آن وقت به خود چه می‌توانند که به مردم افغانستان کنند.

یکی از واقعیت‌های عینی جنگ‌جویان است که در جنگ متولد و بزرگ شده و چیزی جز اسلحه نمی‌شناسند، بالاخره درباره سرنوشت این‌ها نیز صحبت می‌کنید، برنامه در باره این‌ها چیست؟

در قدم اول باید این طرح را در کلیت شورای عالی مصالحه می‌داد که ندادند. در این مورد من نظریه‌پردازی می‌کنم، من فکر می‌کنم آن‌های که امروز در صفوف طالبان می‌جنگند، تجربه تازه نیستند. چند سال قبل از این با عنوان مجاهدین یک بخش وسیع مردم ما هم این تجربه را تکرار کردند. آن تجربه در پیش‌روی ما است. باور من این است که آن‌ها می‌توانند در پولیس و اردوی افغانستان یک سلسله کورس‌های را فرا بگیرند. آن‌ها که مستحق افسری هستند بروند افسر شوند، آن‌های که سرباز می‌شوند مانند بقیه مردم ما ثبت کنند.

آیا قابل اعتماد هستند و حضورشان در صفوف نیروهای امنیتی که سال‌های در برابر همدیگر جنگیده ممکن است؟

بله، بالاخره وقتی ما صلح می‌کنیم و آماده هستیم که چند نفرشان را وزیر تعیین کنیم، چرا اعتماد نکنیم که چند نفر سرباز نباشند. قرار است در نهاد قضائیه هم حضور پیدا کنند، قرار است در شورای ملی افغانستان هم بیایند، در بخش اجرایی هم حضور داشته باشند. قابل رد نیستند. اگر می‌گویند اردو ضعیف است، بیایید تقویت‌اش کنیم. اما با فکر انحلال اردو، انحلال پولیس و سر از نو ساختن آن مخالف هستیم.

در دور دوم مذاکرات برای طرح چه موارد اساسی آمادگی گرفته‌اید؟

مذاکره یک میدان وسیع است، از آتش‌بس گرفته تا ساختار سیاسی آینده، اما برای ما آتش‌بس اولویت است و برای طالبان حکومت سوچه اسلامی که تعبیر آن‌ها است.

تشکر از شما آقای منصور که وقت گذاشتید و به پرسش‌های ما پاسخ دادید.

تحلیل

اگر حکومت می‌تواند جلو ساختن این بلندمنزل‌های غیرقانونی را بگیرد، چرا نمی‌گیرد؟ جریمه ممکن است سازندگان را کمی آسیب مالی بزند، اما ضرر ساختن بلندمنزل‌های غیرقانونی را که از بین نمی‌برد. خود معاون اول رییس‌جمهور می‌گوید که انتظار دارند از درک این جریمه‌ها پنجاه میلیارد افغانی به حساب دولت واریز شود. این یعنی این‌که سازندگان پروای این جریمه را ندارند و حاضرند حتا با پرداخت جریمه هم که شده حکم «بلندمنزل‌های غیرقانونی، غیرپلانی و خودسر نسازید» دولت را زیر پا بکنند.

ملاحظه می‌کنید که در این طرح هیچ فکر سنجیده و کارسازی وجود ندارد. این نمونه را به خاطر آوردیم که ظاهراً خیلی جذاب است. اما اگر تجزیه و تحلیلش کنید، چیز قابل‌اعتنایی از آن به جا نمی‌ماند. بی‌جهت نیست که تا حالا این دولت هزاران سر را تر کرده و یکی را تراشیده است.

است، آن‌چنان که شایسته است هنوز آماده نشده که در بحث صلح همکاری باشند.

زلمی خلیل‌زاد در صحبت‌ها و بسیاری از تویتهایش از مدل جدید سیاسی سخن گفته است، مدل خلیل‌زاد چیست و چگونه ارزیابی می‌کنید؟

چیزی برای ما ارائه نشده، بنابراین من نمی‌توانم در این مورد پیشداوری کنم. اگر چنین چیزی را در نظر داشته باشد به‌عنوان نظر یک شخص مطرح است. بالاخره تصمیم‌گیرنده نهایی مردم افغانستان است. در ضمن این‌که ما از هر پیشنهادی استقبال می‌کنیم، ولی این حق را محفوظ می‌دانیم که سنجیده شود چه چیزی به حال مردم و کشورها ما مفید و سازگار است.

اگر بر سر نظام سیاسی با طالبان به توافق نرسید، سرنوشت مذاکرات چه خواهد شد؟

مذاکرات برای همین است که چیزهایی باید گفته شود، چیزهایی باید شنیده شود و چیزهای مهم گرفته شود. طالبان پیوسته گفته‌اند که نظام نواقص دارد، دولت افغانستان ناتوان است. بفرمایید با حضور خود همین این را تواتر بسازید و هم نواقص و کمبودی‌ها را رفع کنید. بحث نظام متعلق به مردم افغانستان است وقتی نظام می‌گوییم منظور پولیس، اردو، آموزش و پرورش است. چطور این مکاتب را می‌توانند بسته کنند، مثلا نظام صحت و بهداشتی افغانستان را چطور می‌توانند از بین ببرند. چه کسی صلاحیت این را دارد که مانع جریان تطبیق قوانین شود.

ما یک خانه را در ۱۹ سال ساختیم و این را باز هم ویران کنیم؛ ویرانی این خانه زیان‌ناش به همگی می‌رسد. مثلا اگر وزارت مخابرات و آب و برق را خوب اداره می‌توانید بفرمایید، اما ما نمی‌توانیم که این‌همه مردم، شاگردان، معلمین و کارمندان که در اینجا جذب شده را برکنار کنیم. حفظ نظام معنایش این است. حفظ نظام معنایش این نیست که ما علاقه‌مندی به کدام شخص یا وزیر معین داشته باشیم.

نمایندگان مردم در پارلمان خوب کار نمی‌کنند، بفرمایید قوانین را تجدیدنظر می‌کنیم که اشخاص بهتر با شرایط بهتر وارد شوند. قاضی‌ها فعال نیستند، بیایید دست به دست همدیگر بدهیم که چه کار می‌کنیم. ولی بالاخره دفتر قضا و قوانین باشد. من فکر می‌کنم که باید همه به این درک مشترک برسیم. حفظ نظام تنها به منفعت کدام گروه، شخص یا قوم نیست، بلکه به نفع افغانستان است. ما نواقص و ضعف نظام را می‌پذیریم و به همین دلیل هر کس که علاقه‌مند افغانستان است، بیایید دست‌به‌دست هم بدهیم تا این ضعف و کمبودی‌ها را جبران کنیم.

نهادهایی را که نام بردید برای شما غیرقابل مذاکره است، در آن طرف طالبان نیز چیزهای غیرقابل مذاکره دارند که هویت‌شان را تعیین می‌کند، از جمله رهبر آن‌ها با عنوان امیرالمؤمنین، در نظام مورد نظر شما برای رهبر طالبان چه جایگاه را در نظر دارید؟

بلندمنزل‌های غیرپلانی و خودسر را بگیرد، چگونه می‌تواند سازندگان آن را جریمه کند و پول جریمه را به آن «صندوق خاص» واریز کند تا بعدا برای بهبود وضعیت شهر کابل به مصرف برسد؟ اگر واقعا برآورد حکومت این است که از این درک پنجاه میلیارد افغانی به حساب دولت واریز خواهد شد، معنایش این است که هزاران بلندمنزل غیرقانونی ساخته خواهند شد. آخر، پنجاه میلیارد افغانی را که نمی‌توان با جریمه کردن پنج ساختمان گرد آورد. حال، سوال این است که چرا حکومت اساسا مخالف ساختن بلندمنزل‌های غیرپلانی و خودسر است؟ آیا این مخالفت خودش یک نوع پالیسی برای جمع‌کردن جریمه است؟ اگر هزاران واحد از این بلندمنزل‌ها ساخته شوند و پول جریمه‌ی اعمارشان هم پرداخته شود، حکومت دیگر مشکلی با این ساختمان‌ها ندارد؟ آیا فکر حکومت برای آینده‌ی پایتخت با جمع‌کردن پنجاه میلیارد افغانی متوقف می‌شود؟

ایران از آغاز غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم خبر داد؛ نتانیاها: اجازه نمی‌دهیم ایران سلاح هسته‌ای بسازد



در مجلس تصویب شد و شورای نگهبان نیز آن را تایید کرده است.

براساس این طرح دولت ایران موظف به ذخیره کردن سالانه ۱۲۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۲۰ درصد شده است.

نصب و راه‌اندازی ۱۰۰۰ سانتریفوژ آی‌آر۶ در طول یک‌سال آینده، تولید ماهیانه ۵۰۰ کیلو اورانیوم غنی‌شده، و راه‌اندازی کارخانه تولید اورانیوم فلزی اصفهان تا اردیبهشت سال آینده از دیگر مصوبات مجلس است.

مجلس ایران همچنین دولت را موظف کرده است که در تاریخ ۱۲ بهمن، در صورت عدم لغو تحریم‌ها توسط کشورهای طرف برجام، «اجرای داوطلبانه سند (پروتکل) الحاقی را متوقف کند».

با این حال بر اساس آیین‌نامه اجرایی که دولت روحانی برای اجرای این قانون تهیه کرده است، تصمیم‌گیری درباره خروج از پروتکل الحاقی منوط به «مصوبات شورای عالی امنیت ملی و اهداف قانون و منافع و مصالح ملی» شده است.

بر اساس برجام، ایران مجاز است تا سقف ۲۰۲ کیلوگرم اورانیوم با غلظت ۳.۷ درصد در اختیار داشته باشد. اما گزارش‌های اخیر آژانس نیز نشان می‌دهد ایران سطح غنی‌سازی را به ۴.۵ درصد رسانده و حجم اورانیوم غنی‌سازی شده ایران هم به ۱۰ برابر حد مجاز رسیده است.

طرف‌های اروپایی توافق هسته‌ای با ایران در ماه‌های گذشته بارها اعلام کرده‌اند که از افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران «عمیقاً نگران

اطلاعات روز: درحالی‌که سخنگوی دولت ایران از شروع «فرآیند تولید اورانیوم با غنای ۲۰ درصد در مجتمع غنی‌سازی» فرودوی خبر داده است، بنیامین نتانیاها، نخست وزیر اسرائیل، این اقدام را نشان‌دهنده هدف حکومت ایران برای «توسعه برنامه هسته‌ای نظامی» دانسته و گفته است اسرائیل به ایران اجازه تولید سلاح هسته‌ای نمی‌دهد.

او در توییته که روز دوشنبه ۱۵ میزان منتشر کرده، گفته است افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم و ارتقا ظرفیت‌های صنعتی زیر زمینی ایران برای غنی‌سازی اورانیوم، تداوم نقض تعهدات حکومت ایران است.

به نقل از رادیو فردا، علی ربیعی، سخنگوی دولت ایران شروع غنی‌سازی ۲۰ درصدی را پیرو مصوبه اخیر مجلس ایران دانسته و گفته است با وجود اینکه دولت این مصوبه را به مصلحت نمی‌دانست ولی «قانون مصوب مجلس را لازم الاجرا می‌داند و به آن پایبند خواهد بود».

او گفته است دستور حسن روحانی برای غنی‌سازی ۲۰ درصد در «روزهای گذشته» صادر شده و این موضوع به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز «اطلاع‌رسانی» شده است.

میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز ۱۲ جدی با انتشار توییته گفت رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به کشورهای عضو شورای حکام آژانس اطلاع داده که ایران قصد دارد سطح غنی‌سازی را به بالای ۲۰ درصد ارتقاء دهد.

طرح «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» روز ۱۲ آذرماه

خود را آغاز کند. او در هفته‌های اخیر بارها اعلام کرده که قصد دارد به برجام بازگردد، مشروط به این‌که ایران به تعهداتش در چارچوب این توافق بازگردد. آقای بایدن در عین حال گفته که «راه بسیار دشواری» در ارتباط با برجام پیش رو قرار دارد و باید گفت‌وگو درباره آینده برنامه هسته‌ای ایران و برنامه موشکی این کشور نیز در دستور کار قرار گیرد. مقام‌های حکومت ایران بویژه علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، همواره این درخواست دولت آمریکا را رد کرده‌اند و تاکید دارند که درباره برجام نیز حاضر به مذاکره مجدد نیستند.

واشینگتن‌پست:

ترمپ با یک مقام ایالت جورجیا درباره تغییر نتایج انتخابات به نفع خود صحبت کرده بود

اطلاعات روز: واشینگتن‌پست به صدای ضبط شده دونالد ترامپ، در یک مکالمه تلفنی با برد رافنسپرگر، وزیر داخلی ایالت جورجیا دست پیدا کرده است که در آن رییس‌جمهوری آمریکا از وزیر داخلی جورجیا می‌خواهد تا آرای این ایالت را به نفع او تغییر دهد.

در بخشی از صدای ضبط شده، دونالد ترامپ می‌گوید: «من فقط لازم است ۱۱ هزار و ۷۸۰ رای پیدا کنم».

به نوشته این روزنامه، ترامپ در تماس یک ساعته خود با رافنسپرگر او را تحت فشار قرار داد تا آرای‌ها را به سود او محاسبه کند.

بلومبرگ نیز در گزارشی با اشاره به صدای ضبط شده رییس‌جمهوری آمریکا خبر داد که ترامپ در یک تماس ۶۲ دقیقه‌ای، به رافنسپرگر، وزیر داخلی ایالت جورجیا، از تملق تا تهدید استفاده کرد و



فشار آورد تا به نفع او اقدام کند. به نوشته بلومبرگ در صدای ضبط شده‌ای که منتشر شده، هم صدای رییس‌جمهور و هم صدای مارک میدوز، رییس ستاد انتخاباتی او شنیده می‌شود.

به نقل از ایران اینترنشنال، ترامپ به رافنسپرگر می‌گوید: «بین، همه چیزی که می‌خواهم انجام دهم این است: من فقط می‌خواهم ۱۱ هزار و ۷۸۰ رای پیدا کنم».

در آن زمان، بازشماری رسمی تایید کرده بود که جو بایدن در ایالت جمهوری‌خواه جورجیا، دونالد ترامپ را با ۱۱ هزار و ۷۷۹ رای شکست داده است. در مقابل رافنسپرگر پاسخ می‌دهد: «آقای رییس‌جمهور، چالشی که شما دارید این است که اطلاعات نادرستی در دست دارید.» همچنین در جریان این مکالمه، ترامپ به رافنسپرگر

می‌گوید: «شما می‌دانید که آنها چه کاری انجام داده‌اند و گزارش نمی‌دهید. این یک جرم کیفری است و شما نمی‌توانید اجازه دهید این اتفاق بیفتد. این یک خطر بزرگ برای شما و رایان، وکیل شما است. این یک خطر بزرگ است.» بر اساس این گزارش لحن ترامپ در جریان گفت‌وگو تغییر کرده است. کاخ سفید و ستاد انتخاباتی ترامپ فعلاً در این باره سکوت کرده‌اند و دفتر وزیر داخلی جورجیا نیز از اظهار نظر درباره صدای ضبط شده خودداری کرده است. در واکنش به مکالمه ترامپ و وزیر داخلی ایالت جورجیا کاملاً هریس در یک سخنرانی گفت: «این بی‌تردید صدای ناامیدی بود و یک سوءاستفاده آشکار و جسورانه از قدرت، توسط رییس‌جمهوری ایالات متحده بود.»

تزریق واکسن کرونا/ استرازنکا/ دانشگاه آکسفورد در بریتانیا آغاز شد



برخی نقاط انگلیس شدیدتر خواهند شد. دیروز برای ششمین روز متوالی شمار مبتلایان جدید در بریتانیا بیش از پنجاه هزار نفر بود از این رو حزب مخالف، حزب کارگر برای مهار شیوع خواستار قرنطینه ملی شد. قرنطینه در ایرلند شمالی و ولز هم‌اکنون برقرار است و دولت اسکاتلند هم امروز در این باره تصمیم می‌گیرد. شیوع سریع ویروس باعث بحث و اختلاف نظر شدیدی شده که آیا مدرسه‌ها که برای ایام سال نوی میلادی تعطیل بودند باید باز شوند یا تعطیل بمانند.

به گفته وزارت بهداشت بریتانیا در روزهای آینده صدها هزار واکسن استرازنکا/آکسفورد به مطب پزشکان خانواده و خانه‌های سالمندان برای تزریق فرستاده می‌شوند. قرار بود دو نوبت این واکسن به فاصله سه هفته تزریق شوند اما شیوع گسترده ویروس در بریتانیا سبب شده اکنون بین دو نوبت، دوازده هفته فاصله باشد تا جمعیت بیشتری نوبت اول را دریافت کنند.

اطلاعات روز: تزریق واکسن کرونا/ استرازنکا/دانشگاه آکسفورد در بریتانیا آغاز شد. برایان پینکر ۸۲ ساله که نیاز به دیالیز دارد اولین کسی بود که در شهر آکسفورد این واکسن به او تزریق شد.

بیش از نیم میلیون دز از این واکسن امروز (دوشنبه) برای تزریق آماده شده است.

مت هنکاک، وزیر بهداشت بریتانیا، آغز این واکسیناسیون را «لحظه‌ای حیاتی» در مقابله با کرونا و مهین آن توصیف کرد بویژه برای اینکه امکان لغو محدودیت و ممنوعیت‌ها فراهم شود.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، در بیشتر نقاط بریتانیا که گونه جدید ویروس کرونا بسرعت در حال گسترش است مقررات قرنطینه سخت‌گیرانه‌ای اعمال شده است.

بوریس جانسون، نخست وزیر بریتانیا، انتظار دارد «دهه‌ها میلیون نفر» تا ماه اپریل (نیمه حمل) واکسینه شوند اما گفت تا آن زمان احتمالاً محدودیت و ممنوعیت‌ها در

هدف نظام ملی بهداشت و درمان (ان اچ اس) این است که بتواند هفته‌ای دو میلیون دز تزریق کند. به گفته مدیر نظام ملی بهداشت و درمان، واکسیناسیون کرونا بزرگترین برنامه واکسیناسیون سراسری در تاریخ بریتانیا خواهد بود.

اولین واکسنی که تزریق آن در بریتانیا آغاز شد واکسن فایزر/بیوان‌تک بود که تاکنون یک میلیون دز از آن تزریق شده است.

واکسن استرازنکا/آکسفورد که پنج روز پیش مجوز اضطراری در بریتانیا گرفت مشکل واکسن فایزر/بیوان‌تک را ندارد که باید در سرمای حدود منفی هفتاد درجه سانتی‌گراد نگهداری شود و می‌توان آن را در یخچال معمولی (۲ تا ۸ درجه سانتی‌گراد) نگهداشت.

واکسن استرازنکا/آکسفورد ارزانتر هم هست، هر دز حدود چهار دلار در قیاس با هر دز بیست دلار برای واکسن فایزر/بیوان‌تک.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیرمهریار

• صفحه‌آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۱۹۵۲

خبر کوتاه

رکورد جدید سوارز؛
لوییس محبوب روخی بلانکو

لوییس سوارز با گلزنی برای اتلتیکو مادرید در بازی یکشنبه شب مقابل آلاوز رکورد جدیدی در این باشگاه به نام خود ثبت کرد.

لوییس سوارز یکشنبه شب در جریان پیروزی ۲-۱ اتلتیکو مادرید مقابل آلاوز یکی از گل‌های تیمش را به ثمر رساند تا تعداد کل گل‌های خود در این فصل برای اتلتیکو را به عدد ۹ برساند. او به این ترتیب موفق شد یکی از رکوردهای تاریخی باشگاه که تا پیش از این در اختیار رادامل فالکانو بود را به خود اختصاص دهد.

گلی که سوارز در آخرین دقیقه بازی مقابل آلاوز به ثمر رساند تا پیروزی مهمی برای این تیم بدست بیاید و اتلتیکو را به صدر جدول برگرداند او را بیش از پیش نزد هواداران روخی بلانکو محبوب کرده است.

سوارز در تابستانی که گذشت بعد از شش فصل موفق در بارسلونا نوکمپ را ترک کرد و به مادرید آمد تا پیراهن اتلتیکو را به تن کند.

سوارز در بازی یکشنبه شب نهمین گل خود در این فصل را به ثمر رساند تا به همراه جرارد مورنو از ویرتال و یانگو اسپاس از سلتا ویگو به صورت مشترک در صدر جدول بهترین گلزنان این فصل لالیگا بایستد.

سوارز علاوه بر این ۹ گل دو پاس گل هم داده و در نتیجه تعداد نقش آفرینی‌هایش در گل‌های اتلتیکو تا کنون ۱۱ بوده است. او با یازده نقش آفرینی در گلزنی اتلتیکو در یازده بازی موفق شد از رکورد قبلی بهترین شروع یک بازیکن در باشگاه که در اختیار رادامل فالکانوی کلمبیایی بود عبور کند و این رکورد را منحصر به خود اختصاص دهد.



بخش اعظم گل‌های باشگاهی او با پیراهن رئال مادرید زده شده است. او با پیراهن رئال مادرید ۴۳۸ بازی انجام داده و ۴۵۰ گل برای این تیم به ثمر رسانده است.

دو گل مهم کریستیانو برای یوونتوس
رونالدو از پله گذشت؛ یک قدم تا بهترین گلزن تاریخ

بهترین گلزنان تاریخ قرار گرفت. او حالا با نفر اول این فهرست ژوف بیکان که ۷۵۹ گل به نامش ثبت شده تنها یک گل فاصله دارد و در آستانه تبدیل شدن به بهترین گلزن تاریخ فوتبال است.

رکورد رونالدو به این معنی است که او تا این لحظه به طور میانگین در هر فصل برای باشگاه و تیم ملی کشورش در مجموع ۴۲ گل به ثمر رسانده است. لیونل مسی در این فهرست با ۷۴۲ گل پشت سر رونالدو قرار دارد و بیش از ۳۰ گل کمتر از او زده است. البته این در حالی است که مسی در مجموع ۲۰۰ بازی کمتر از رونالدو انجام داده است. پله اسطوره برزیلی که رونالدو یکشنبه شب موفق به عبور از رکورد او شد در فاصله سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۷ برای باشگاه‌های سانتوس برزیل و نیویورک کاسموس آمریکا

کریستیانو رونالدو با دو گلی که مقابل اودینزه به ثمر رساند در جدول رکورد مجموع گل‌های ملی و باشگاهی موفق شد از پله عبور کرده و دومین گلزن برتر دنیا لقب بگیرد.

یوونتوس یکشنبه شب در خانه خود به مصاف اودینزه رفت و موفق شد حریفش را ۴-۱ شکست دهد. دو گل یوونتوس توسط کریستیانو رونالدو به ثمر رسید تا او بتواند به رکوردی خارق العاده دست یابد. سی آر سون حالا دومین گلزن برتر دنیا با احتساب مجموع گل‌های ملی و باشگاهی است.

کریستیانو در بازی یکشنبه شب گل‌های هفتصد و پنجاه و هفتم و هفتم و هشتم دوران فوتبال خود را به ثمر رساند. او به این ترتیب از رکورد ۷۵۷ گل پله اسطوره برزیلی عبور کرده و در رتبه دوم فهرست

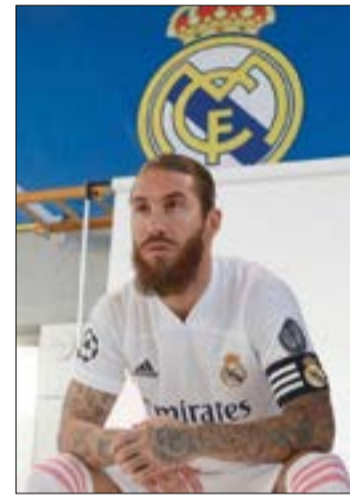
پیشنهاداتی و سوسه‌انگیز برای راموس از راه رسید

پاری سن ژرمن پیشنهاد افزایش حقوق او را ارائه داده است و مدت زمان قرارداد را هم به دلخواه این بازیکن باتجربه تنظیم خواهد کرد. با رفتن تیاگو سیلوا از پاریس، راموس بازیکن مناسبی برای تقویت خط دفاع این تیم در حدود دو سال آینده به نظر می‌رسد. مخصوصاً اینکه همه نگاه‌ها در پاریس به لیگ قهرمانان اروپا است.

از طرف دیگر، یونایتد به دنبال زوجی برای هری مگوایر است تا مطمئن‌تر از ویکتور لیندلوف باشد. با اینکه اریک بایی گاهی ضعف او را پوشش می‌دهد، ولی آمادگی بدنی خود این بازیکن ساحل‌عاجی نیز مورد تردید است و تیم سولسشر به راموس برای تقویت خط دفاع خود نیاز دارد.

تمدید قراردادی یک ساله بدون افزایش دستمزد را به این بازیکن ۳۴ ساله ارائه داده است. با اینکه راموس شرایط حاصل از ویروس کرونا را درک می‌کند و حاضر است بدون افزایش حقوق به کار خود ادامه دهد، اما ترجیح می‌دهد تمدید قراردادش دوساله باشد، مسئله‌ای که هیئت مدیره چندان به آن علاقه‌ای ندارد.

گزارش‌ها حاکی از آن است که این بازیکن دو پیشنهاد خوب برای ترک مادرید دریافت کرده است. یکی از آنها پاری سن ژرمن است که در چند ماه گذشته به جذب راموس ابراز علاقه کرده است، و دیگری منچستر یونایتد، که به دنبال تقویت خط دفاعی خود است.



گزارش‌ها حاکی از آن است که سرخیو راموس، مدافع رئال مادرید، دو پیشنهاد جذاب دریافت کرده که رد کردن آنها دشوار است.

خطر جدایی بهترین و باسابقه‌ترین بازیکن رئال مادرید، آن هم به صورت آزاد، این تیم را تهدید می‌کند. کاپیتان رئال مادرید، سرخیو راموس، در شش ماه آخر قراردادش با این تیم قرار دارد و حالا که پنجره نقل و انتقالاتی جنوری باز شده است، او می‌تواند مذاکرات اولیه را با تیم‌هایی خارج از اسپانیا انجام دهد. با اینکه او در نظر دارد در رئال بماند، اما آینده او همچنان در هاله‌ای ابهام قرار دارد.

فلورنتینو پرز، رئیس باشگاه، پیشنهاد



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان

د کورنې، اوبولگولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

معینیت مالی و اداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت عمومی اجناس و خدمات غیر مشورتی

«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود که وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد تا پروژه تدارک دو قلم تیل، تیل‌دیزل به مقدار (۱۱۰۰۰۰) لیتر و تیل‌پترول به مقدار (۹۰۰۰۰) لیتر مورد ضرورت وسایط و ماشین‌آلات وزارت زراعت برای سال مالی ۱۴۰۰ تحت داوطلبی باز داخلی با کد نمبر MAIL/PD/NCB/G-4/1400 را به شرکت خدمات لوژستیکي برج‌عیاران دارای جواز نمبر (۵۰۲۰۷) به قیمت فی لیتر تیل‌دیزل مبلغ ۴۰ افغانی و فی لیتر تیل‌پترول مبلغ ۳۸ افغانی که قیمت مجموعی آن مبلغ ۷,۸۲۰,۰۰۰ (هفت‌میلیون و هشتصد و بیست‌هزار افغانی) را احتوا می‌کند اعطا نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع کارته‌سخی، جمال‌مین، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د اوبو د چارو د تنظيم ملي اداره

رياست عمومي مالي و اداری
رياست تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی
مدیریت عمومی تدارکات اجناس

«اعلان تدارکات»

اداره ملی تنظیم امور آب از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی پروژه خریداری لوازم حفظ و مراقبت ضرورت سال مالی ۱۴۰۰ تحت چهار لات (لات اول خریداری تعداد (۳۹) قلم، لات دوم خریداری (۲۰۵) قلم، لات سوم خریداری (۱۱۶) قلم، لات چهارم خریداری (۲۴۳) قلم) این اداره اشتراک نموده و نقل چاپ شده شرطنامه مربوط را در حافظه یا فلش‌دیسک از آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تدارکات یا از سایت اداره تدارکات ملی بدست آورده آفر خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق طرز‌العمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۹:۳۰ قبل از ظهر به روز چهارشنبه مورخ ۰۸/۱۱/۱۳۹۹ به ریاست تدارکات واقع تعمیر ششم منزل چهارم ارائه نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد، تضمین آفر بصورت بانکی برای لات اول مبلغ (۸۵۵۷۰) افغانی، لات دوم مبلغ (۳۰۰۰) افغانی، لات سوم مبلغ (۶۰۰۰) افغانی، لات چهارم مبلغ (۱۲۷۰۰) افغانی و همچنان در صورتیکه هر داوطلب علاقمند ارائه نرخ بیشتر از یک لات باشند، مطابق صفحه هفده شرطنامه پروژه متذکره برای پروژه‌های فوق‌الذکر بوده و جلسه آفرگشایی بتاريخ ۰۸/۱۱/۱۳۹۹ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در سالون ارزیابی ریاست تدارکات به شماره‌های داوطلبی: NWARA/PD/Goo4-1400/NCB, NWARA/PD/G005-1400/NCB, NWARA/PD/G006-1400/N CB, NWARA/PD/G007-1400/NCB تدویر می‌گردد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د اوبو د چارو د تنظيم ملي اداره

رياست عمومي مالي و اداری
رياست تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی
مدیریت عمومی تدارکات اجناس

«اعلان تدارکات»

اداره ملی تنظیم امور آب از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی پروژه خریداری پروژه‌جات وسایط ضرورت سال مالی ۱۴۰۰ تحت سه لات (لات اول خریداری تعداد (۸۸۸) قلم، لات دوم خریداری (۷۸۷) قلم، لات سوم خریداری (۱۰۹۲) قلم) این اداره اشتراک نموده و نقل چاپ شده شرطنامه مربوط را در حافظه یا فلش‌دیسک از آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تدارکات یا از سایت اداره تدارکات ملی بدست آورده آفر خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق طرز‌العمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۹:۳۰ قبل از ظهر به روز پنجشنبه مورخ ۰۹/۱۱/۱۳۹۹ به ریاست تدارکات واقع تعمیر ششم منزل چهارم ارائه نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد، تضمین آفر بصورت بانکی برای لات اول مبلغ (۱۴۵۰۰) افغانی، لات دوم مبلغ (۱۰۵۰۰) افغانی، لات سوم مبلغ (۱۳۸۰۰) افغانی و همچنان در صورتیکه هر داوطلب علاقمند ارائه نرخ بیشتر از یک لات باشند، مطابق صفحه نوزده شرطنامه پروژه متذکره برای پروژه‌های فوق‌الذکر بوده و جلسه آفرگشایی بتاريخ ۰۹/۱۱/۱۳۹۹ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در سالون ارزیابی ریاست تدارکات به شماره‌های داوطلبی: NWARA/PD/Goo1-1400/NCB, NWARA/PD/G002-1400/NCB, NWARA/PD/G003-1400/N CB تدویر می‌گردد.

«تصمیم اعطای قرارداد»

اداره مستقل ارگان‌های محلی در نظر دارد پروژه تدارک و ترمیم ۱۲ عراده وسایط مختلف‌النوع اداره مرکزی خویش را به قیمت مجموعی مبلغ (۵۴۹۹۰۰۰) پنج‌میلیون و چهارصد و نود و نه‌هزار افغانی با شرکت خدمات لوژستیکي عقابان‌فلک عقد قرارداد می‌نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر اعلان الی مدت (۷) روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل قانونی آن به آمریت تدارکات واقع چهارراهی آریانا ارایه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی قرارداد عقد نخواهد شد.



معرفی برنامه

برنامه‌ی «اطفال افغان می‌خوانند» یا **Afghan children read (ACR)** توسط وزارت معارف به همکاری اداره انکشاف بین‌المللی امریکا در سال ۲۰۱۷ راه‌اندازی شد. هزینه‌ی این برنامه ۷۰ میلیون دالر برآورد شده بود که توسط اداره انکشاف بین‌المللی امریکا پرداخته شد. اکنون که مهلت قرارداد این برنامه با اداره انکشاف بین‌المللی امریکا به پایان رسیده و ادامه کار به‌صورت مکمل به دوش وزارت معارف گذاشته می‌شود، خوب است که نگاهی به این برنامه بیندازیم. برنامه‌ای که بخش مهم از نظام آموزش و پرورش را در بر می‌گیرد و با سرنوشت تعلیمی کودکان افغانستان ارتباط مستقیم داشته و میلیون‌ها دالر برای آن به مصرف رسیده است.

هدف این برنامه افزایش و تقویت مهارت خوانش در دوره‌ی اصول صنفی قلمداد شده است. به‌صورت خلاصه این که برنامه متمرکز روی موضوع «خوانش» یا همان «دری» از صنف اول تا صنف سوم بوده است. مهم‌ترین دست‌آورد این برنامه، طرح و تهیه نصاب جدید خوانش تا صنف سوم است؛ کتاب‌هایی نو که به نام کتاب‌های «ACR» مشهور است و با محوریت مولفان دبیرالمنتم فارسی دری ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب وزارت معارف و همکاری متخصصان بین‌المللی، همکاری شماری از استادان و اعضای علمی ریاست عمومی تربیه معلم تهیه و ترتیب شده است. کتاب‌های نصاب جدید تا صنف سوم که با طرح و رویکرد نو و متفاوت از نصاب گذشته، نوشته شده، اکنون چاپ شده و در دسترس است. گام دوم این برنامه، آموزش روش تدریس نصاب جدید خوانش برای معلمان دوره اصول صنفی در چهار ولایت (کابل، هرات، ننگرهار و لغمان) بوده است که توسط استادان و اعضای علمی و مسلکی ریاست عمومی تربیه معلم انجام شده است.

در نصاب جدید خوانش، با بهره‌گیری از دیدگاه کارشناسان، روی پنج عنصر خوانش تمرکز شده است. این پنج عنصر عبارتند از: صدانشناسی، اصول الفبا، روان‌خوانی، ذخیره واژه‌ها و درک مفهوم. در کنار این پنج عنصر، نوشتن و چگونگی استفاده از کتاب و قلم نیز محراق توجه بوده است. بر علاوه آموزش عاطفی-اجتماعی نیز در لایه‌های قصه‌ها و فعالیت‌ها در این نصاب خوانش گنجانیده شده است.

نکات مثبت نصاب جدید خوانش

برنامه نصاب جدید خوانش، دارای نکات مثبت بسیار است که انصافاً باید از آن‌ها ستایش و یادآوری کنیم. قبل از همه نیازسنجی و تشخیصی که در مورد مضمون «خوانش» یا «دری» انجام شده، بسیار مفید، دقیق و ارزنده بوده. چالش فراوان دانش‌آموزان در مضمون خوانش و ناتوانی آنان در درست‌خواندن و درست‌نوشتن به‌صورت کارشناسانه، شناسایی، تحلیل و تجزیه گردیده است. این نیازسنجی را بدون تردید باید قدردانی کرد. حتا امید می‌رود که چنین کارهایی خوب، الگو قرار گیرد و دوام یابد تا بتوان در هر مقطع از زمان، نیازمندی‌ها و چالش‌ها را در نظام آموزشی تشخیص داده و راهکار مناسب برای بهترکردن سیستم آموزش و پرورش ارائه کرد.

نکته قابل توجه و ارزشمند دیگر در این نصاب، قابلیت محوری و نزدیک‌بودن درس و محتوای آن با زندگی دانش‌آموزان است. من نصاب جدید خوانش را به‌صورت کلی مرور کرده‌ام و در درس‌ها، فعالیت‌ها و محتوای این مضمون، پیوندی بسیار مستحکم و واقف با زندگی عادی دانش‌آموزان یافتیم. در نصاب گذشته، رابطه بین محتوای درس و زندگی دانش‌آموز، گاهی حس نمی‌شد در نتیجه درس نه‌تنها دلچسب و کاربردی نبود، بلکه گیج‌کننده و خسته‌کننده هم بود. حتا فعالیت‌ها نیز همین طور بود؛ اما در این نصاب، درس، فعالیت و کارهای آموزشی زیادی گنجانیده شده است که دانش‌آموزان مستقیماً در زندگی روزمره‌شان حس می‌کنند و با آن سروکار دارند. در کنار این آموزش، فراگیری قابلیت‌ها نیز خوب مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر این که، نصاب جدید «قابلیت‌محور» است.

آموزش عاطفی-اجتماعی که نقش اساسی بر یک زندگی خوب و آرام دارد، همچنان در درون این نصاب جا داده شده. در کشور جنگ‌زده و دچار بحران ما، همه‌ی کودکان آسیب‌های شدید روانی، عاطفی و احساسی دیده‌اند. در کنار آموزش درس و دانش، آموزش و تربیت احساسات و عواطف دانش‌آموزان یک ضرورت جدی و اساسی است. کنترل احساسات و عواطف و مدیریت خودی یکی از پایه‌های اساسی شخصیت هر فرد به‌شمار می‌رود؛ بنابراین باید به این امر مهم در نظام آموزش و پرورش توجه شود. خوشبختانه در نصاب جدید، چنین شده است.

در نصاب جدید خوانش، رویکرد و روشی بسیار روشن برای تدریس در نظر گرفته شده است. همه‌ی مهارت‌های پنج‌گانه خوانش با پیوند و هماهنگی با همدیگر جابجا گردیده. روش تدریس «گذار تدریجی» و سهیم‌شدن گام به گام دانش‌آموزان



نگاهی به نصاب جدید خوانش و برنامه «ACR»

محمد باقریان

و بی‌بی حوا» و «گزارش آب و هوا» را در نظر بگیرید. هنگام تلفظ کردن «حوا» و «هوا» در دو عبارت هیچ‌گونه تغییر در صوت /ح/ و /ه/ به‌وجود نمی‌آید. از گزارشگران و گویندگان تلویزیون گرفته تا دانشگاہیان، افراد باسواد و بی‌سواد، هر کس این دو عبارت را ادا کند، واژگان «حوا» و «هوا» را با مخرج‌های جداگانه یا آواهای مختلف ادا نمی‌کند؛ چون در زبان فارسی (دری) برای چنین واژگانی، مخرج‌های متفاوت وجود ندارد. به همین ترتیب واژگان «سفر» و «صفر» یا «صواب» و «ثواب» را در نظر بگیرید، هنگام اداکردن حرف اول، هیچ تغییری در صوت نمی‌آید، بلکه به یک صورت ادا می‌شود؛ چون در زبان فارسی برای حرف‌های «ص، ث، و س» آوا یا صوت جداگانه وجود ندارد. بنابراین باید ببینیم که برای هر حرف در زبان فارسی دری، آوا یا صوت مشخص و منفرد وجود ندارد؛ بلکه شماری از حرف‌ها «آوا»ی واحد دارد. زبان‌شناسان هم این نکته را یادآور شده‌اند.

در این صورت باید گفت که «املای درست» و «تشخیص واژگان» با فراگیری «آواشناسی» میسر نمی‌شود؛ بلکه بر اثر تمرین و تکرار یاد گرفته می‌شود. آواشناسی در چگونگی نوشتن «ذکر» و «ظاهر» یاری نمی‌کند؛ بلکه تکرار و تمرین و سرانجام ملکه‌ی ذهن‌شدن است که چنین قدرت تشخیص را فراهم می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت که نیت و هدف مولفان نصاب جدید خوانش که به قصد «املای درست» و «تشخیص درست واژگان» بحث «آواشناسی» را در صنف اول تا سوم آورده است، نادقیق به‌نظر می‌رسد و نمی‌تواند مشکل درست‌نوشتن واژگان یا املای بهتر را حل کند.

مسئله قابل توجه دیگر در همین مورد سوءتفاهم و برداشت نادرستی است که از همین بحث «آواشناسی» حاصل می‌شود. معلمان و دانش‌آموزان به اشتباه یاد می‌گیرند که گویا برای هر «حرف» در زبان فارسی، آوای جداگانه وجود دارد؛ درحالی‌که اصلاً چنین نیست. نصاب جدید خوانش که اکنون در چهار ولایت تدریس می‌شود، در آینده قرار است به سراسر افغانستان برود و برای میلیون‌ها دانش‌آموز تدریس شود. آیا این سوءبرداشت و فهم غلط از زبان فارسی دری، یک جفای بزرگ در حق زبان نیست؟ رسالت معارف، آموزش درست میراث فرهنگی به‌ویژه زبان است، نه ارائه اطلاعات که ظرفیت سوءتفاهم و ضربه‌زدن به زبان را دارد. از این جهت احساس می‌کنم، بخش آواشناسی نیاز به بازنگری، ترتیب و دسته‌بندی مجدد دارد. پیش از این که نصاب جدید به ۳۴ ولایت برود، بهتر است که همین اکنون بازنگری شود.

۲- اداکردن درست آواهای زبان فارسی دری، نیاز به آموزش درست و دقیق دارد. بدون تردید می‌توان گفت که معلمان مکتب، دانش و مهارت درست‌اداکردن آواهای زبان را ندارند. بخش «فونولوژی» یا آواشناسی یکی از بخش‌های تخصصی زبان است که هیچ معلمی نمی‌تواند بدون فراگیری این بخش، به دانش‌آموزان، آموزش دهد. بدون تعارف باید گفت که حتا مولفان و مربیان (تربیان) همین برنامه‌ی نصاب جدید خوانش، نمی‌توانند آواهای زبان را درست و دقیق ادا کنند. این یک ادعای بی‌پایه نیست؛ به‌عنوان کسی که در جمع مربیان قرار داشتم و مدت پنج هفته با همکارانم بحث و گفت‌وگو

کردم، کسی را نیافتم که این بخش را دقیق یاد داشته باشد. من بدون تردید می‌گویم که این بخش را معلمان درست فرانگرفته‌اند، به‌دلیل این که مربیان خودشان «آواشناسی» را فرانگرفته بودند و یاد نداشتند. البته کسانی که ما مربیان را ترینگ دادند، هم همین‌طور بودند. بالاخره این که مولفان کتاب هم از عهده تلفظ و اداکردن درست این بخش به‌صورت دقیق و کامل، عاجزند.

بالاخره نتیجه این می‌شود که بخش «آواشناسی» که پایه‌ی نصاب جدید را ساخته، پادروها و لنگ و معلق می‌ماند. فقط معلمان ممکن است در تدریس هر حرف، دو اصطلاح «نامش» و «صدایش» را با دانش‌آموزان تکرار کنند، آن هم بدون این که فرقی بین اداکردن «نام» و «صدا» احساس کنند و یا بتوانند تشخیص دهند. چون تکنیک «نام» و «صدا» در تمام حروف، نیاز به آموزش دقیق دارد. آن هم با این پیش‌شرط که حرف‌هایی که دارای «آوای» مشترک‌اند، دسته‌بندی و توضیح داده شود. در نتیجه من فکر می‌کنم، بخش آواشناسی نصاب جدید خوانش، عملی و کاربردی نیست، بلکه در سطح نام و نظر باقی می‌ماند. این امکان هم وجود دارد که صداهای نامربوط و نادرست به‌عنوان آواهای حروف درس داده شود.

۳- بحث یادگیری «آواشناسی» یا «صدانشناسی» در مضمون خوانش صنف اول، چندان مناسب به‌نظر نمی‌آید. آموزش این بخش حتا در دانشگاه هم به‌صورت درست انجام نمی‌شود، این که در صنف اول دوران مکتب چنین چیزی امکان داشته باشد، بعید می‌نماید. اگر این مدعا را بپذیریم، آوردن بحث «آواشناسی» در مضمون خوانش «دری» صنف اول، امر بیهوده است. کار و فعالیتی که نتیجه نداشتند باشد، بودن و نبودنش فرق ندارد. در این جا هرچند بحث «آواشناسی» مطرح شده، اما نتیجه و پیامدی نخواهد داشت؛ بنابراین آوردن این بحث، در این سطح تحصیلی شایسته و ارزنده نیست.

۴- یادم است که در اولین روز برنامه‌ی آموزش نصاب جدید خوانش برای معلمان، تعداد زیادی از معلمان پرسش‌شان این بود که این برنامه «پول» دارد یا خیر؟ اکثر از همین معلمان می‌گفت که از راه دور می‌آییم و هزار مشکل داریم و... اگر برنامه پول ندارد که ما نیابیم. اگر پول دارد چقدر است؟ در آن برنامه به‌راحتی فهمیده می‌شد که نصاب جدید خوانش و یادگیری روش آموزش آن، دغدغه‌ی اکثر از معلمان نیست. به این برنامه به چشم یک پروژه مقطعی و سطحی نگاه می‌کردند. فکر می‌کردند که اگر پول نداشته باشد، حتا ارزش شرکت‌کردن را ندارد. برای شماری زیادشان مهم نبود که چه تغییری در نصاب جدید خوانش آمده و چگونه باید تدریس شود. فکر می‌کردند چند روزی در صنف بنشینند و بعد مثل برخی برنامه‌های پروژه‌ای و مقطعی دیگر مقداری امتیاز بگیرند و بروند.

البته امیدوارم که این نکته سوءتفاهم خلق نکند که گویا من در مقابل معلمان ایستاد شده‌ام و علیه‌شان حرف می‌زنم. من خودم آموزگارم و همه‌ی معلمان را دوست دارم که با شرایط بسیار سخت و تحمل‌ناپذیر در صنف‌ها حاضر شده و تدریس می‌کنند. از این مسأله نیز کاملاً آگاهم که معاش و امتیازات معلمان بسیار اندک و ناچیز است که به هیچ وجه زندگی عادی معلم را کفاف نمی‌تواند. هدف از یادآوری نکته بالا، این بود که برای شماری زیاد از معلمان، برنامه آموزش نصاب جدید خوانش، چندان مهم نبود و اگر به‌صورت جدی ارزیابی و پی‌گیری نشود و به‌صورت مجدد به برخی معلمان روش تدریس نصاب جدید خوانش، آموزش داده نشود، نصاب جدید خوانش با رویکردی که طرح و تدوین شد، تدریس نمی‌گردد. این مسأله می‌تواند تأثیر بسیار منفی روی موفقیت نصاب جدید خوانش بگذارد. توقع من این است که روش آموزش نصاب جدید خوانش، باید به‌صورت جدی در صنف معلمان پی‌گیری و تعقیب شود. معلمان ارزیابی و مکلف شوند تا حتما آموزش نصاب جدید خوانش را خوب فراگیرند. اگر چنین نشود، به هدف تعیین‌شده، هرگز دسترسی پیدا نمی‌کنیم.

هزینه‌ی بسیار زیاد مالی و انسانی هدر می‌رود. آنچه که در این نوشتار مورد نظر بوده، زبان فارسی (دری) است. من نمی‌دانم که این نکات در زبان پشتو هم وجود دارد یا خیر. امیدوارم که یکی از دوستان که تخصصی در زبان و ادبیات پشتو دارد، به این مسائل بپردازد و بررسی کند. فکر می‌کنم نصاب جدید خوانش که هم‌زمان به زبان پشتو نوشته شده، نیز دچار همین چالش‌ها است.

در پایان می‌خواهم یادآوری کنم که نگارنده با نوشتن این متن، در پی بهبود برنامه نصاب جدید خوانش است و به‌عنوان عضوی از خانواده‌ی معارف، رسالت خود می‌داند که به اندازه‌ی توان در بهبود کیفیت آموزش و پرورش سهم بگیرد. این یادداشت هم به همین نیت نگاشته شده است تا شاید باعث توجه و حتا بازنگری مسئولان به نکات یادشده شود. عمیقاً باورمندم که آبادی، آزادی و بالندگی افغانستان با آموزش و پرورش با کیفیت و تربیت نسل بیدار، آگاه، مسئول و متعهد میسر خواهد شد.